

- شناسنامه کتاب
- پیش گفتار
- جایگاه محبت در دین
- حقوق اهل بیت (ع) و وظایف ما
- راههای ایجاد محبت
- - 1 دوران پیش از کودکی
- - 2 پیوند با آب فرات و خاک کربلا
- - 3 استفاده از علاقه به محبوبیت
- - 4 توجه به عنایت اهل بیت به شیعه
- - 5 بیان فضیلت حب آل پیامبر صلی الله علیه وآله
- - 6 طرح نیازمندی و بهره‌مندی از این محبت
- - 7 ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت علیهم السلام
- - 8 تعظیم و تکریم و تعریف
- - 9 برپایی مراسم و تعظیم شعائر
- - 10 استفاده از حس کمالجویی
- - 11 معرفی ولی نعمتان
- - 12 ذکر فضایل و فرهنگ و تعالیم اهل بیت علیهم السلام
- - 13 گره زدن خوشیهای زندگی به حیات ائمه علیهم السلام
- - 14 پرهیز از عوامل محبت‌زدا
- - 15 ایجاد فضای روحی و معنوی
- - 16 معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر
- - 17 قصه‌های دلدادگان
- - 18 تشکلهای هینتی
- چند نکته تکمیلی
- 1. پیوند محبت با عمل

- 2. نشانه‌های محبت
- 3. پرهیز از غلو
- يك میدان و دو هجوم
- فهرست اهم منابع

شناسنامه کتاب

## عشق برتر

راههای ایجاد محبت اهل بیت (ع) در کودکان و نوجوانان

تالیف : جواد محدثي

پیش‌گفتار

به گواهی تجربه و تاریخ، آنان که وابستگی‌های عاطفی و قلبی به دین و مظاهر مکتب و مذهب داشته‌اند و علاقه‌مندان اهل بیت علیهم السلام و پای‌بندان به سنن مذهبی و شعائر دینی، کمتر در معرض انحراف، گناه، مفسد و آلودگیهای اخلاقی بوده‌اند، یا دیرتر به مفسد و بدیها کشیده شده‌اند .

عواطف پاک و مقدس نسبت به معصومین و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ثبات قدم بیشتر در راه دینداری است و عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام، تاحد زیادی بیمه‌کننده افراد در برابر گناه و فساد است، به شرط آنکه این محبت و دوستی، عمیق، ریشه‌دار و از روی بصیرت و معرفت باشد و با هدایت صحیح، انسان را در مسیر عمل قرار دهد.

از سوی دیگر جوانان و نوجوانان اگر پایه‌های اعتقادی استوار و تربیت‌های دینی درست نداشته باشند، آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در مقابل امواج گناه و فساد اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آیند. دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی نیز، برنامه و بودجه برای «تهاجم فرهنگی» اختصاص داده‌اند و با همه امکانات و ابزار و شیوه‌ها در پی جداساختن جوانان جامعه از جریان مقدس اسلام و انقلاب در میهن اسلامی‌ما و در سطح جهانند.

امروز دیگر تردید در فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده دشمن برای هجوم به فرهنگ دینی و ارزش‌های اخلاقی و انقلابی‌ما، نشانه بی‌خبری و غفلت و سادگی است. معرفی الگوهای ناسالم به جوانان و کشاندن آنان به‌وادای عشق‌های سرراهی و نمونه‌های مبتذل و اشباع‌گناه‌آلود و انحرافی این نیاز و خلا روحی، یکی از همین دامها و برنامه‌هاست.

با این حساب، برای صیانت جوانان عزیز از این آفتها و توطئه‌ها، از سنین کودکی و نوجوانی باید برنامه داشت و هوشیارانه و دقیق، در جهت تغذیه فکری و روحی و عاطفی و هدایت آنان در بستر «صراط مستقیم» و بر اساس «قرآن و عترت» تلاش کرد.

ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در دل کودکان و نوجوانان و گره زدن اندیشه‌ی عاطفه و محبت آنان با این خاندان پاک و نمونه، می‌تواند یکی از این شیوه‌ها و برنامه‌ها به شمار آید. برای آنان که در پی «مهرورزی» و دل‌باختن و محبوب‌گزیدن و دوست داشتن‌اند، اهل بیت پیامبر، بهترین و برترین محبوب و معشوق‌اند و عشق به این خاندان، ارزنده‌ترین و ماندگارترین عشق‌هاست. به قول شاعر صاحب‌دل شیراز:

سعدی، اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد (1)

ولی... چگونه و با چه روشی می‌توان نسل امروز را محب و دوستدار اهل بیت بار آورد و بذر و نهال این «عشق مقدس و برتر» را در مزرعه روح و جان‌شان کاشت؟

پدران، مادران، اولیا و مربیان، نویسندگان و هنرمندان، برنامه‌سازان صدا و سیما، نهادهای فرهنگی و هنری، سیاست‌گذاران مراکز تبلیغی و تربیتی و همه کسانی که به نحوی در شکل دادن به شخصیت کودکان و نوجوانان، مؤثر و سهیم‌اند؛ در این مورد، هم مسؤولند، هم در پی یافتن راهها و شیوه‌های عملی و کاربردی برای «ایجاد محبت اهل بیت» و «تربیت دینی» در دل و اندیشه نسل معاصرند.

نگارنده این اثر، بی‌آنکه ادعایی داشته باشد، به عنوان يك گام كوچك و ابتدایی به تدوین این جزوه پرداخته و نکته‌هایی را در این زمینه مطرح ساخته است، به این امید که این «موضوع»، با پیگیری صاحب‌نظران

و کار بیشتر و روشهای علمی‌تر و عینی‌تر، هر چه غنی‌تر شود و کمال یابد و استفاده بیشتری به اهل مطالعه و پژوهش برساند .

قم - جواد محدثی

بهار 1378 ش

### جایگاه محبت در دین

گرچه استفاده از قدرت، می‌تواند ما را به هدف برساند، ولی بهره‌گیری از «محبت» و «عشق» و ایجاد جاذبه و کشش قلبی، اهرمی قوی‌تر است و انگیزه‌های ماندگارتری ایجاد می‌کند. در روایات نیز آمده است: «محبت و دوست داشتن برتر از ترس و بیم است.» (2) .

نوع رابطه ما با اهل بیت‌علیهم‌السلام، بر چه مبنایی است و بر چه مبنایی باید باشد؟

آیا مثل رابطه ملت و حاکم و مردم و رهبر است؟

یا رابطه علمی میان شاگرد و استاد؟

یا رابطه «محبت» و «مودت» و پیوند قلبی و درونی است، که هم‌کار سازتر، و هم بادوام‌تر و ریشه‌دارتر است؟

خلل‌پذیر بود هر بنا که می‌بینی مگر بنای محبت که خالی از خلل است

قرآن کریم روی این رابطه تاکید دارد و «مودت اهل بیت‌علیهم‌السلام» را اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند :

«قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (3) .

بگو: من بر انجام رسالت، از شما مزدی نمی‌خواهم، مگر دوستی و محبت درباره نزدیکانم .

در روایات متعددی «مودة فی القربی» به محبت و مودت اهل بیت و خاندان پیامبر تفسیر شده است.

بالاترین محبت هم محبتی است که خدایه آن سفارش کرده باشد و صاحبان این محبت را نیز دوست‌بدارد .

در روایات هم، مودت و ولایت، به عنوان يك «فرض الهی» و ملاك قبول اعمال و عبادات به حساب آمده

است. (4) .

تولای شما فرض خدایی است قبول و رد آن مرز جدایی است

هر آن کس را که در دین رسول است ولایت، مهر و امضای قبول است

دیانت‌بی شما کامل نگردد بجز با عشقتان دل، دل نگردد (5)

اهل سنت هم طبق احادیثشان این نکته را قبول دارند و در شعر شافعی چنین آمده است :

یا اهل بیت رسول الله حکم فرض من الله فی القرآن انزله

کفاکم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم لا صلاة له (6)

ای خاندان پیامبر خدا! حب شما فریضه‌ای است خدایی که خداوند در قرآن آورده است، برای افتخار بزرگ شما همین بس که هر کس (در نماز) بر شما صلوات و درود نفرستد، نمازش درست نیست و نماز ندارد. از آنجا که این پیوند درونی، هم بیمه‌کننده دوستدار اهل بیت در مقابل انحرافها و لغزشهاست، هم هدایتگر امت به سرچشمه زلال دین است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که مردم را دوستدار اهل بیت بار آورید و بر مبنای این محبت، تربیت کنید :

«ادبوا اولادکم علی حبی و حب اهل بیتی و القرآن». (7)

فرزندانتان را با محبت من و محبت خاندان من و محبت قرآن تربیت و تادیب کنید .

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است :

«رحم الله عبدا حببنا الی الناس ولم یبغضنا الیهم». (8)

خدا رحمت کند کسی را که ما را محبوب مردم سازد و ما را در نظر مردم مبغوض و منفور نسازد .

نیز از سخنان آن حضرت در توصیه به شیعه است :

«احبونا الی الناس و لا تبغضونا الیهم، جروا الینا کل مودة و ادفعوا عنا کل قبیح». (9)

ما را در نظر مردم محبوب سازید و در نظرشان ما را منفور نگردانید، هر مودت و دوستی را به طرف ما بکشید و هر زشتی را از ما دور سازید .

هر چه محبت و دل‌باختگی و ارتباط قلبی بیشتر باشد، تبعیت و همرنگی و همراهی و همدلی هم بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی و همفکری و همراهی و همسویی بسیار عظیم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می‌گذارد و زمینه‌ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود، نه صرفا تشکیلاتی و رسمی .

از این رو، ارتباط شیعه با اهل بیت را علاوه بر جنبه‌های اعتقادی بر مبنای علمی و احادیث و منابع دینی، باید عاطفی و روحی و احساسی قرارداد و «آگاهی عقلی» را با «عاطفه قلبی» در هم آمیخت و عقل و عشق را با هم پیوند زد. همچنانکه در آموزش هم، اگر معلم، بیش از رابطه علمی، رابطه قلبی و زمزمه محبت و مودت باشد «جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را»، در ارتباطهای ولایی با ائمه نیز دل، قلمرو فرمانروایی آنان می‌گردد .

در این صورت، میان «شناخت»، «عشق» و «پیروی»، رابطه‌ای مستحکم پدید می‌آید و «معرفت»، محبت می‌آورد و محبت، «ولایت و تبعیت». در حدیثی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این سه عنصر و نقش

آن در سعادت انسان اشاره فرموده است :

«معرفة آل محمد برائة من النار و حب آل محمد جواز على الصراط والولاية لآل محمد امان من العذاب» . (10) .

معرفت و شناخت آل محمد، برائت و نجات از دوزخ است و «محبت» آل محمد، جواز عبور از صراط است و «ولایت» نسبت به آل محمد، امان از عذاب است .

این رابطه را می‌توان چنین ترسیم کرد :

معرفت محبت اطاعت .

در حدیث امام صادق علیه السلام نیز آمده است :

«الحب فرع المعرفة» . (11) .

محبت، فرع و شاخه شناخت است .

در سیره پیامبر اکرم نیز آمده است که هر کس با او از روی معرفت و شناخت، رفاقت و نشست و

برخاست می‌کرد، محبت او در دلش می‌افتاد. (12) .

این نشان‌دهنده تاثیر معرفت در پیدایش محبت است .

ایجاد محبت و عشق را باید از مراحل ساده و بسیط و عاطفی شروع کرد و در مراحل بعدی با بصیرت و

ناخت بیشتر، آن را تعمیق داد، تا آنجاکه «حب»، جزء سرشت انسان گردد و «محبت اهل بیت»، جزء دین

یک مسلمان و شیعه درآید، امام صادق علیه السلام فرمود: «هل الدين الا الحب»؟ (13) آیادین جز محبت

است؟ و امام باقر علیه السلام فرمود :

«الدين هو الحب والحب هو الدين» . (14) .

دین همان محبت است و محبت همان دین است .

روشن است که محبت راستین به عمل و تبعیت هم می‌انجامد و از عصیان و تخلف دور می‌سازد. (15) .

برای این کار، باید زمینه‌های روحی و آمادگی‌های قبلی افراد را در نظر گرفت، وگرنه محبت اهل بیت به

دل‌های غیر مستعد و غیر آماده نمی‌چسبد، آنچنان که کاشی به دیوار کاهگلی نمی‌چسبد. گاهی هم باید موانع

را زدود، همچنانکه در لحیم‌کاری، ابتدا با سنباده و مواد دیگر، چربیها، آلودگیها و جرمها را از محل

می‌زدایند، تا لحیم، بچسبد و جوش بخورد .

حقوق اهل بیت (ع) و وظایف ما

غیر از مودت اهل بیت که در قرآن هم آمده است، در روایات فراوانی حقوق آنان بر عهده ما و وظیفه ما

در برابر اهل بیت بیان شده است و ابواب متعددی از احادیث درباره ولایت، محبت، مودت و نصرت

اهل بیت وجود دارد (16) که فهرستی از آن حقوق و وظایف، چنین است :

- 1 مودت و محبت .

در زیارت جامعه است :

«بمواالاتکم تقبل الطاعة المفترضة و لكم المودة الواجبة .»

به سبب ولایت شما طاعت واجب پذیرفته می شود و «مودت واجب» برای شماست .

پیامبر خداصلی الله علیه وآله در حدیثی مفصل، خطاب به سلمان و ابوذر و مقدار از جمله فرموده است :

«ان مودة اهل بیتی مفروضة واجبة علی کل مؤمن ومؤمنة...» (17) .

مودت اهل بیت من بر هر مرد و زن با ایمان، فرض و واجب است .

امام علی علیه السلام فرمود :

«علیکم بحب آل نبیکم فانه حق الله علیکم» (18) .

بر شما باد محبت دودمان پیامبرتان، که این حق خدا بر گردن شماست .

- 2 تمسک و چنگ زدن به آستان آنان .

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود :

«من تمسک بعترتی من بعدی کان من الفائزین» . (19) .

هر کس پس از من به خاندانم چنگ بزند و تمسک جوید، از رستگاران خواهد بود .

- 3 ولایت و پذیرش رهبری آنان .

علی علیه السلام فرمود :

«لنا علی الناس حق الطاعة والولاية» . (20) .

برای ما بر عهده مردم حق اطاعت و ولایت است .

- 4 مقدم داشتن آنان بر دیگران .

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود :

«اهل بیتی نجوم لاهل الارض، فلا تتقدموهم و قدموهم فهم الولاية بعدی» (21) .

خاندان من ستارگانی برای اهل زمین اند، پس از آنان جلو نیفتید، بلکه آنان را جلو اندازید، که آنان پس از

من و الیایان اند .

- 5 اقتدا به آنان در امور دین و دنیا .

«اهل بیتی یفرقون بین الحق والباطل و هم الائمة الذین یقتدی بهم» . (22) .

اهل بیت من میان حق و باطل را جدا می کنند و آنان پیشوایانی هستند که باید به آنان اقتدا کرد .

- 6 اکرام و احترام نسبت به آنان .

«ایها الناس! عظموا اهل بیتی فی حیاتی و من بعدی و اکرموهم و فضلوه» . (23) .

ای مردم، اهل بیت مرا بزرگ بدارید، چه در حال حیاتشان چه پس از من و آنان را احترام و اکرام کنید و آنان را بر دیگران برتری دهید .

- 7 ادای خمس اموال و درآمدها .

آیه 41 انفال، خمس را برای خدا و رسول و ذوی القربی و... می‌داند .

- 8 نیکی کردن و پیوند داشتن با آنان و ذریه ایشان .

امام صادق علیه السلام :

«من لم یقدر علی صلتنا فلیصل صالحی موالینا یکتب له ثواب صلتنا». (24) .

هر کس نتواند با ما صلّه و پیوند و نیکی داشته باشد با دوستان صالح ما پیوند داشته باشد، تا برای او پاداش

ارتباط با ما و نیکی به ما نوشته شود .

- 9 صلوات و درود فرستادن بر آنان .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«من صلی صلوة لم یصل فیها علی ولا علی اهل بیتی لم تقبل منه». (25) .

هر کس نمازی بخواند که در آن بر من و اهل بیت صلوات نفرستد، نمازش از او پذیرفته نیست .

- 10 یاد کردن آنان و فضایلشان .

امام صادق علیه السلام فرمود :

«خیر الناس من بعدنا من ذاکر امرنا و دعا الی ذکرنا». (26) .

بهترین مردم پس از ما کسی است که کار و فرهنگ ما را یاد کند و مردم را به یاد ما فراخواند .

امام باقر علیه السلام فرمود :

«ان ذکرنا من ذکر الله و ذکر عدونا من ذکر الشیطان». (27) .

یادکردن ما از یاد خداست و یاد دشمن ما، از یاد دشمن است .

- 11 ذکر مصائب و مظلومیت آنان .

امام صادق علیه السلام (در باره مجالسی به یاد عزای اهل بیت):

«ان تلك المجالس احبها فاحیوا امرنا، انه من ذکرنا او ذکرنا عنده فخرج من عینیه مثل جناح الذباب غفر الله

له ذنوبه». (28) .

این مجالس را دوست می‌دارم، پس امر و فکر ما را زنده بدارید، همانا کسی که از ما یاد کند یا ما نزد او

یاد شویم و از چشمانش به اندازه بال مگسی اشک آید، گناهانش آمرزیده می‌شود .

- 12 رفتن به زیارت قبور مطهرشان .

امام رضا علیه السلام فرمود :

«ان لكل امام عهدا فی عنق اولیائه و شیعته و ان من تمام الوفاء بالعهد زیارة قبورهم». (29) .



برای هر امامی عهد و پیمانی بر گردن دوستان و پیروان اوست و از نشانه‌های وفای کامل به این عهد و پیمان، زیارت قبر امامان است .

نقش اجتماعی و تربیتی زیارت، آن قدر بسیار است که نشانه کمال حج و زیارت خانه خدا به شمار رفته است و احادیث فراوانی به زیارت اهل بیت و امامان معصوم، چه در حال حیاتشان و چه پس از وفات، سفارش کرده است. (30) .

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا مردم فرمان یافته‌اند که سراغ این سنگها (ی‌کعبه) آمده، آنها را طواف کنند، سپس نزد ما آیند و ولایت و همبستگی خویش را به ما خبر دهند و یاری خود را بر ما عرضه کنند. (31) .

این بعد اجتماعی و سیاسی حج را در زمینه «پیوند یاری» و «ارتباط ولایی» با امامان حق نشان می‌دهد. پادشاهای عظیمی که برای زیارت روایت شده، بویژه زیارت کربلا و خراسان، زیارت اربعین و عاشورا، زیارت از دور و نزدیک، نشان اهمیت مساله است. زیارت، علاوه بر آنکه تکلیف مانسبت به امامان است، نقش محبت‌آفرینی هم دارد (بعدا اشاره خواهد شد).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«الزيارة تنبیت المودة». (32) .

زیارت و دیدار، مودت و دوستی به بار می‌آورد .

راههای ایجاد محبت

نشناخته را محرم هر راز مکن قفل دل خود بر همه کس باز مکن  
در قلك دل برای آینده خویش جز عشق خدا و دین پس انداز مکن

- 1 دوران پیش از کودکی

آنچه در ساختن شخصیت يك انسان مؤثر است، خیلی پیشتر از مدرسه و جامعه آغاز می‌شود و به مساله تغذیه، شیر مادر، روحیات والدین، شرایط ایام بارداری، انعقاد نطفه و ... هم مربوط می‌شود و موضوع وراثت نیز، در جای خود مهم است .

اهل معرفت و انسانهای دقیق و ارزشی، در به وجود آوردن نسلی پاک، نجیب، باایمان و اهل صلاح و فلاح، به این نکات و ریزه‌کاریها هم توجه می‌کنند .

در زندگی‌نامه بسیاری از بزرگان دین یا شهیدان اسلام می‌خوانیم و می‌شنویم که مادرانشان آنان را با وضو شیر داده‌اند، ایام بارداری و شیردادن، مواظب حالات روحی خود، غذای حلالی که

می‌خورده‌اند، مجالسی که شرکت می‌کرده‌اند، کتابهایی که می‌خوانده‌اند و... بوده‌اند. این مراقبت‌ها در روحیه و خصلت‌های کودک تاثیر می‌گذارد. اینکه مادر در ایام بارداری یا هنگام شیر دادن، چه صداها و نوارهایی بشنود (ترانه یا تلاوت قرآن یا نوحه و مداحی و...) و چه تصاویر و فیلمهایی ببیند، در چه جلساتی شرکت کند، با چه کسانی معاشرت داشته باشد، در تکوین شخصیت معنوی فرزند بی‌اثر نیست. برخی از سفره امام حسین علیه السلام و اطعام ایام عاشورا و غذاهای نذری، به قصد تبرک استفاده می‌کنند. این ایامها و عقیده‌ها به نوزاد هم منتقل می‌شود.

آنچه در آداب و سنن اسلامی در مورد کودکان و نوزادان است (از قبیل: از خداوند فرزند صالح خواستن، دایه صالح گرفتن برای شیر دادن، توجه به انتقال اخلاق دایه به فرزند، کام نوزاد را با آب فرات و تربت کربلا برداشتن، هنگام تولد و نامگذاری در گوش او اذان و اقامه گفتن، نام نیک بر او نهادن، از نام ائمه بر فرزندان گذاشتن، یاد دادن قرآن و حدیث اهل بیت به فرزندان و آموختن نماز و واداشتن به روزه و...) همه نشان دهنده تاثیر اینگونه امور در خلق و خوی کودکان است.

از علی علیه السلام روایت است که فرمود: من از خدای خود فرزندی زیباروی و خوش قامت نطلبیدم، بلکه از پروردگارم خواستم فرزندی به من عطا کند که مطیع خدا و خائف از او باشند، تا هر گاه به آنان می‌نگرم که مطیع خدایند، چشمانم روشن گردد. (33).

امام سجاد علیه السلام نیز در دعای مخصوص فرزندان، بیشتر نکته‌های معنوی و دینی و اخلاقی و صلاح و فلاح و تقوا و بصیرت و اطاعت خدا و محبت اولیای الهی و دشمنی با دشمنان خدا می‌طلبد:

«اجعلهم ابرارا اتقیا بصراء سامعین مطیعین لك ولولیاك محبین مناصحین و لجمیع اعداءك معاندین و مبغضین». (34).

پس دوران کودکی، فصل تربیت دینی و تربیت ولایی کودکان است و محبت اهل بیت هم یکی از شاخه‌های همین «تربیت دینی» است.

من غم و مهر حسین، با شیر از مادر گرفتم روز اول کامدم، دستور تا آخر گرفتم بر مشام جان زدم يك قطره از بوی حسینی سبقت از مشک و گلاب و نافه و عنبر گرفتم حضور ما در جلسات حسینی و اشك ریختن در سوگ اباعبدالله علیه السلام و شنیدن حرف و حدیث امامان و اهل بیت، در روح کودکی که در رحم یا در آغوش دارد، تاثیرگذار است.

... «در حسینه دلمان، مرغهای محبت سینه می‌زنند و اشکهای یتیم در خرابه چشم، بیقراری می‌کنند. سینه ما تکیه‌ای قدیمی است، سیاهپوش با کتیبه درد و داغ. درب آن با کلید «یا حسین» باز می‌شود و زمین آن با اشك و مژگان، آب و جارو می‌شود.

ما دل‌های شکسته خود را وقف اباعبدالله علیه السلام کرده‌ایم و اشك خود را نذر کربلا، و این «وقفنامه» به امضای حسین علیه السلام رسیده است. این است که زیارت، ترجیع بند ایام سال ماست.

صبحها وقتی سفره دعا و عزا گشوده می‌شود، دل روحمان گرسنه‌عاطفه و تشنه عشق می‌شود. ابتدا چند مشت «آب بیداری» به صورت‌جان می‌زنیم، تا «خواب غفلت» را بشکنیم. زیارتنامه را که می‌بینیم، چشممان آب می‌افتد. «السلام عليك» را که می‌شنویم، بوی خوش کربلا به مشاممان می‌رسد. توده‌های بغض در گلویمان مترکم می‌گردد و هوای دلمای ابری می‌شود و آسمان دیدگانمان بارانی. سر سفره ذکر مصیبت، قندان دهانمان را پر از حبه قندهای «یا حسین» می‌کنیم و نمکدان چشممان دانه دانه اشک بر صورتمان می‌پاشد. به دهان که می‌رسد، قند و نمک در کاممان می‌آمیزد و این محلول شور و شیرین، درمان عشق ماست و نمک‌گیر سفره حسین علیه السلام می‌شویم. این است که تا آخر عمر، دست و دل از حسین علیه السلام بر نمی‌داریم. آنگاه جرعه جرعه زیارت عاشورا می‌نوشیم و سر سفره توسل، «ولایت» را لقمه لقمه در دهان کودکانمان می‌گذاریم.

غذای ما از عطای حسین علیه السلام است. الحمدلله... در این خشکسالی دل و قحطی عشق، نم نم باران اشک، غنیمتی است که رواق آینه کاری شده‌چشمان ما را شستشو می‌دهد. خدایا ما را به چشمه کربلا و نهر علقمه تشنه‌تر کن و معمار اشک را برای آبادی دل‌هایمان بفرست.

امروز بر سر در دل‌های ما پرچمی نصب شده که بر آن نوشته است: «السلام عليك یا ابا عبدالله». (35). ریشه‌های حب اهل بیت، در دوران خردسالی و شیرخوارگی نیرو می‌گیرد و در جوانی و بزرگسالی میوه و برگ و بار می‌دهد. آری ...

به جام جان نریخت مهر دیگری از آن دمی که دل شد آشنای تو

این مرحله، به مراقبت‌ها و رفتارهای والدین در دوران شیرخوارگی و نوزادی فرزندان مربوط می‌شود. اما... اینک ما بیم و کودکان و نوجوانان موجود در جامعه و ضرورت و اهمیت تربیت و لایه و دینی آنان. در اینکه چگونه می‌توان جوانان و نوجوانان را «محب آل محمد» و دوستدار اهل بیت علیهم السلام بار آورد، راه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از این راه‌ها جنبه ذهنی و تئوری دارد، یعنی طرح موضوعات و مباحثی که نتیجه آن ایجاد کشش و جذب نسبت به خاندان پیامبر است. عمدتاً بیان فضایل و مناقب و مقامات و شرح حال و سیره اولیاء الهی، حتی ذکر شمایل و اوصاف ظاهری آنان، از این بخش است. بعضی حتی از راه تصاویر و عکسهای منسوب به پیامبر و امامان، به آنان علاقه پیدا می‌کنند و تصویر، گذرگاه و معبری برای ورود به دنیای زیبا و دوست‌داشتنی اولیای دین می‌شود. برخی هم جنبه عملی و کاربردی است، یعنی اجرای برنامه‌ها یا توجه به نکات اجرایی و کاربردی که نتیجه آن جای گرفتن محبت اهل بیت علیهم السلام در دل کودکان و جوانان است و این کار، عمدتاً از سوی پدران و مادران، اولیاء و مربیان، برنامه‌سازان، مسؤولان فرهنگی و تربیتی کشور و چهره‌های مورد توجه و علاقه نسل نوجوان در جامعه است.

اینک برخی از این راه‌ها و شیوه‌ها بر شمرده می‌شود:

## 2- پیوند با آب فرات و خاک کربلا

استفاده از نمادها و سمبلهایی که به نوعی ارتباط با اهل بیت دارد، این رابطه را تقویت می‌سازد. «عاشورا» برجسته‌ترین مظهر خط ولایت نسبت به این خاندان است.

«شهادت» و «عطش» نیز دو جلوه مهم عاشورا است.

«آب فرات» یادآور تشنگی امام و اهل بیت او و وفای عباس علیه السلام است و «تربت» سیدالشهدا، خاک آمیخته به خون «ثارالله» است و این دو، فرهنگ عاشورا و حب اهل بیت را با خود دارند. در تعالیم شیعه، از سنتهای مؤکد مذهبی، برداشتن کام نوزاد هنگام تولد، با تربت سیدالشهدا و آب فرات ستیعنی اندکی از این یا آن، به کام نوزاد مالیدن، یا در دهان او چکاندن.

این کار، هم پیوند دادن نوزادان از همان بدو تولد با این خاندان و عاشورا است، هم نشان عشق والدین به ایجاد این رابطه است، هم تاثیر طبیعی این «آب و خاک» در سرشت و طینت و خلق و خوی فرزندان است. همچنان که طبق احادیث بسیار، خداوند در تربت سیدالشهدا «شفا» و خاصیت درمانی قرار داده است، (36) اثر ایجاد محبت و امنیت هم در این تربت و آن آب نهاده است. پس، از راههای عملی، یکی هم عمل به این سنت دینی است. اثر ایجاد محبت در روایات مربوط به آن هم بیان شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«حنکوا اولادکم بماء الفرات». (37).

کام نوزادان خود را با آب فرات بردارید.

امام صادق علیه السلام به سلیمان بن هارون بجلی فرمود:

«ما اظن احدا یحنک بماء الفرات الا احبنا اهل البیت». (38).

گمان نمی‌کنم که کسی با آب فرات، کام نوزاد را بردارد مگر آنکه ما خاندان را دوست بدارد.

آن حضرت، فرات را نهی بهشتی می‌داند که به خدا ایمان آورده است و روزی یک قطره از بهشت در آن می‌چکد. و نیز فرمود:

«من شرب من ماء الفرات وحنک به فهو محبنا اهل البیت». (39).

هر کس از آب فرات بنوشد، یا کام کودک را با آن بردارد، یقیناً دوستدار ما خاندان خواهد بود.

علی علیه السلام فرمود:

«ان اهل الکوفة لو حنکوا اولادهم بماء الفرات لکانوا شیعة لنا». (40).

اگر کوفیان، اولاد خود را با آب فرات، کام برداشته بودند، شیعه ما می‌شدند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ما احد یشرب من ماء الفرات و یحنک به اذا اولد الا احبنا، لان الفرات نهر مؤمن». (41).

هیچ کسی نیست که از آب فرات بنوشد، یا وقتی فرزند آورد، کام او را بآب فرات بردارد، مگر آنکه دوستدار ما شود، چرا که فرات، نهری مؤمن است .

آن حضرت، در مورد کام برداشتن نوزادان با تربت سیدالشهدا هنگام تولد، چنین دستور داده است :  
«حنکوا اولادکم بتربة الحسین، فانها امان». (42) .  
فرزندان خود را با تربت حسین علیه السلام کام برگیرید، چرا که مایه ایمنی است .  
البته در روایات، تاکید شده است که این بهره‌گیری درمانی از تربت، وقتی است که انسان به این نکته باور داشته باشد که خداوند در تربت آن حضرت، این نفع و خیر را قرار داده است. (43) .  
سنت آمیختن آب یا شربت به تربت سیدالشهدا و نوشیدن و نوشاندن آن به دیگران جهت درمان، زمان ائمه هم رواج داشته است. (44) امروز نیز میان معتقدان و شیفتگان این مکتب، رایج است. (45) .

### 3- استفاده از علاقه به محبوبیت

هر کس دوست دارد مورد علاقه و محبت دیگران باشد و مورد توجه قرار گیرد. در جذب افراد، اظهار علاقه خیلی مؤثر است، بخصوص آن طرفی که انسان مورد علاقه او باشد اگر شخصیتی معروف، مهم و معتبر باشد، مورد رغبت بیشتری است. تا چه رسد به اینکه آن طرف، خدا و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام باشند. باید چنین القا کرد که رشته محبت و علقه ولایی با اهل بیت علیهم السلام موجب می‌شود انسان محبوب خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله گردد و چه موهبتی بالاتر از این؟ طرح این مساله که ائمه علیهم السلام دوستداران شان را دوست دارند، ایجاد محبت می‌کند. روایت در این زمینه بسیار است، از جمله این حدیث :

کسی به محضر امام علی علیه السلام رسید و گفت: السلام عليك يا امير المؤمنين و رحمة الله و برکاته، کیف اصبحت؟ سلام (و رحمت و برکات خدا) بر تو ای امیر مؤمنان. چگونه صبح کردی و چگونه‌ای؟  
حضرت سر بلند کرد و پاسخ سلامش را گفت و فرمود :

«اصبحت محبا لمحبتنا و مبعضا لمن يبغضنا» (46) .

صبح کردم، در حالی که دوستدار دوستداران هستم و دشمن کسی که با ما دشمنی دارد .  
طرح مساله حب متقابل و رضایت طرفینی میان خدا و بنده یا پیامبر صلی الله علیه و آله و امت، کارساز است. قرآن هم نمونه‌هایی دارد، همچون: «رضی الله عنهم و رضوا عنه»، (47) «فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه». (48) که در مورد اهل ایمان و عمل صالح و متعهدان به دین و ثابت قدمان در راه خداست .

با طرح این که خدا چه کسانی را دوست می‌دارد؟ و پاسخ این که محبان اهل بیت را، و نتیجه‌گیری این که

پس محبوب خدا شدن هم در سایه مودت اهل بیت است، علاقه‌ها را به این خاندان می‌افزاید . هم دوست داشتن برگزیدگان افتخار است، هم محبوب آنان بودن ارزش است. در زیارت «امین‌الله»، در حرم‌های ائمه معصومین از خداوند چنین درخواست می‌کنیم :

خدایا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده‌ات قرار بده و مرا در زمین و آسمان محبوب گردان :

«محبّة لصفوة اولیاءك، محبوبه فی ارضك و سماءك». (49) .

دوستی با اهل بیت علیهم السلام انسان را با این خانواده همخون و همدل می‌سازد و عضو این خانواده الهی می‌گرداند. همچنان که سلمان فارسی را رسول خدا صلی الله علیه و آله از این دودمان دانست و فرمود:

«سلمان منا اهل البیت» (50) «سلمان از ما خاندان است .»

چنین تعبیری را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ابوذر غفاری هم فرموده است و امام صادق علیه السلام نیز درباره فضیل بن یسار (51) و یونس بن یعقوب (52) فرموده است که اینان از ما خاندان هستند .

این موهبت بزرگی است که انسان از خاندان پیامبر محسوب شود. محبت اهل بیت، چیزی است که این امتیاز را برای دوستدار می‌آورد. به این دو حدیث توجه کنید (که یکی محبت و دیگری تقوا و عمل صالح را زمینه‌ساز عضویت در مجموعه اهل بیت می‌داند):

امام باقر علیه السلام: «من احبنا فهو منا اهل البیت» (53) «هر که ما را دوست‌بدارد از ما خاندان است .»

امام صادق علیه السلام: «من اتقی منکم و اصلاح فهو منا اهل البیت». (54) «هر کس از شما که تقوا پیشه‌کند و در پی صلاح و اصلاح باشد، او از ما اهل بیت است .»

توجه به این نکته مهم است که محبت به تنهایی، بدون تقوا و اصلاح و اصلاح، چندان کارساز نیست و محبت واقعی به همان همسویی می‌گشود .

#### 4- توجه به عنایت اهل بیت به شیعه

پیروان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام، مورد عنایت و توجه و تقدیر خاندان پیامبرند. توجه داشتن و توجه دادن به این عنایت و محبت و تکریم، محبت آنان را در دلها ایجاد می‌کند یا می‌افزاید. اهل بیت، هواداران نشان را دوست دارند، آنان را می‌شناسند، آنان را شاخ و برگ درختی می‌دانند که به خودشان مربوط می‌شود، در دنیا گرفتاری‌هایشان را حل می‌کنند، در آخرت از آنان شفاعت می‌کنند و محبان خویش را از یاد نمی‌برند .

در این زمینه احادیث فراوانی است که به چند نمونه اشاره می‌شود :

1 - حذیفة بن اسید غفاری گوید: امام حسن مجتبی علیه السلام وقتی با معاویه صلح کرد و به مدینه

برمی‌گشت همراهش بودم. پیش او يك بار شتر بود که همواره همراه آن بود و جدا نمی‌شد. روزی گفتم: این بار چیست که از تو جدا نمی‌شود؟

فرمود: می‌دانی چیست؟ گفتم: نه. فرمود: «دیوان» است. گفتم: دیوان و دفتر چیست؟ فرمود: دفتر شیعیان ماست، نامهایشان در آن است: «دیوان شیعتنا فيه اسماؤهم». (55). ( )

- 2 امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود :

«... و عرفنا شیعتنا كعرفان الرجل اهل بيته». (56). ( )

ما شیعیان خود را می‌شناسیم، همانگونه که يك فرد، خانواده خود را می‌شناسد .

- 3 امام سجاد علیه السلام فرمود: ما هر کس را ببینیم، می‌شناسیم که مؤمن حقیقی است یا منافق. شیعیان ما ثبت شده‌اند و نامهای پدرانشان معروف است، خدا از ما و از آنان پیمان گرفته است، هر جا که ما وارد شویم آنان نیز وارد می‌شوند :

«ان شیعتنا لمکتوبون معروفون باسمائهم و اسماء آبائهم، اخذالله الميثاق علينا و عليهم، يردون مواردنا و يدخلون مداخلنا». (57). ( )

- 4 امام کاظم علیه السلام در مورد آیه «وممن هدینا و اجتبینا» (58) فرمود :

«فهم والله شیعتنا الذین هداهم الله لمودتنا و اجتباهم لدیننا...». (59). ( )

به خدا قسم آنانند شیعیان ما، آنان که خداوند بر مودت و دوستی ما هدایتشان کرده و برای آیین ما آنان را برگزیده است .

این که انسان توفیق مودت و پیروی این خاندان را داشته باشد، توفیق ارزشمندی است که نصیب همه نمی‌شود و بر این نعمت معنوی باید خداوند را سپاس گفت . عنایت دیگر ائمه، در مورد حساب و شفاعت شیعه جلوه‌گر است که در حدیث بعد آمده است .

- 5 امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم» (60) فرمود :

«اذا کان یوم القیامة جعل الله حساب شیعتنا علینا...». (61). ( )

چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حسابرسی شیعیان ما را بر عهده مامی‌گذارد .

و در حدیث دیگری از آن حضرت است :

«نشفع لشیعتنا فلا یردنا ربنا». (62). ( )

ما برای شیعیان خود شفاعت می‌کنیم، خداوند هم شفاعت ما را رد نمی‌کند .

- 6 امام صادق علیه السلام فرمود :

«اینما نکون فشیعتنا معنا». (63). ( )

ما هر جا که باشیم، پیروان ما با مایند .

حتی در ورود به بهشت نیز این همراهی وجود دارد، علی علیه السلام فرموده است: از هشت در بهشت،

پنج در است که شیعیان و دوستان ما اهل بیت از آن وارد می‌شوند :

...«و خمسة ابواب يدخل منها شيعةنا و محبوبنا» . (64) .

7- امام صادق علیه السلام در مسجد، گروهی از شیعیان را دید، به آنان نزدیک شد و سلامشان داد و فرمود: به خدا قسم من بوی شما و روح شما را دوست دارم، ما را با تقوا و تلاش، یاری کنید. شما یاران دین خدایید، شما پیشتر از آن به سوی بهشتید، ما بهشت را برای شما تضمین کرده‌ایم، هر چیزی شرفی دارد، شرافت دین، شیعه است. هر چیزی ستونی دارد، ستون دین، شیعه است. هر چیزی سروری دارد، و بهترین مجالس و سرور آنها، مجالس شیعه است :

«والله انى لاحب ربحكم و ارواحكم... انتم السابقون الى الجنة، قد ضمنا لكم الجنان بضمن الله و رسوله... الا و ان لكل شىء شرفا و شرف الدين الشيعة، الا ان لكل شىء عمادا و عماد الدين الشيعة، الا و ان لكل شىء سيدا و سيد المجالس مجالس شيعةنا» . (65) .

8- امام باقر علیه السلام درباره «شجره طیبه» که در قرآن است، فرمود: آن درخت، حضرت رسول صلی الله علیه و آله است، تنه آن، علی علیه السلام است، شاخه‌اش فاطمه علیها السلام است، میوه‌هایش فرزندان فاطمه زهرا هستند و شیعه، برگ‌های آن درخت‌اند (و اورا قها شیعتنا) هرگاه یکی از شیعیان ما از دنیا برود، برگی از آن درخت افتاده و هرگاه نوزادی برای شیعه به دنیا آید، به جای آن برگ، برگی می‌روید. (66) .

9- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

«ان الله تعالى اطع الى الارض فاخترنا و اختر لنا شيعة ينصروننا و يفرحون بفرحنا و يحزنون لحزننا و يبذلون انفسهم اموالهم فينا، فاولئك منا و الينا و هم معنا فى الجنان» . (67) .

خداوند بر زمین اشراف و عنایت و نگاه کرد پس ما را برگزید و برای ما پیروانی برگزید که ما را یاری می‌کنند، با شادی ما شاد می‌شوند، بر اندوه ما اندوهگین می‌شوند و جانها و مالهایشان را در راه ما خرج می‌کنند، پس آنان از ما و به سوی ما می‌آیند و آنان در بهشت با ما خواهند بود .

این نیز عنایت خدا و اهل بیت به پیروان این خاندان و برگزیدگی و منتخب بودن صاحبان این محبت و ولایت را می‌رساند. این عنایات خاص، موجب از دیاد محبت انسان به این خاندان جود و کرم می‌شود و دل‌بستگی و دلدادگی می‌آورد .

درباره جایگاه و منزلت شیعه نزد ائمه اطهار و توجه خاصی که به موالیان خود دارند و مقامی که خدا برای سیراب شدگان از چشمه محبت و ولای آل الله قرار داده، آن قدر حدیث است که از شمار بیرون است. نقل آنها کتابی قطور خواهد شد. اما برای آشنایی با مضامین گوشه‌ای از این احادیث، عنوان بعضی از این فضیلتها و ویژگیها را می‌آوریم: (68) .

شیعیان علی علیه السلام در قیامت سیراب، و رستگار و کامیابند. شیطان بر پیروان علی علیه السلام سلطه ندارد. شیعیان علی شیعه خدایند، شیعیان علی، آمرزیده‌اند، در قیامت به دست علی علیه السلام از کوثر



سیراب می‌شوند، پیروان او در دنیا و آخرت منصورند و برگه عبور از آتش می‌گیرند و ایمن‌اند، اگر شیعه نبود، دین خدا استوار نمی‌شد، آنان بهترین بندگان و بر صراط حق‌اند و دین اهل بیت را گرفته‌اند، شیعیان ما به خدا و به عرش خدا و به مانزدیکتر از دیگرانند، پیروان ما گواه و شاهد بر مردم دیگرند، ما و شیعه ما «اصحاب الیمین» هستیم، شیعیان ما هدایت‌یافته، صابر، گرانقدر، صادق و رها از سلطه و نفوذ شیطانند، پیروان ما هنگام رستاخیز، با چهره‌های نورانی از قبرها برانگیخته می‌شوند و سواره به محشر می‌آیند، با نور خدایی می‌نگرند، از سرشت ما آفریده شده‌اند، هم ما برگزیده‌ایم هم شیعیان ما، آنان از شعاع نور ما خلق شده‌اند. خداوند در دنیا شیعه ما را از گناهانشان پاک می‌کند، خداوند از شیعیان ما میثاق ولایت گرفته است، ما گواه بر شیعیانیم و شیعیان شاهد بر دیگرانند، شیعیان ما می‌توانند نسبت به خانواده خود هم شفاعت کنند، شهید شیعه بر شهدای دیگر برتری دارد، پیروان با ایمان ما با پیامبر خویشاوندند و... صدها کرامت و فضیلت از جمند.

البته این اوصاف و فضایل و جایگاه والا، به همان اندازه که قیمتی و محبت‌آور و دوست داشتنی است، مسؤولیت و تعهد و مراقبت و دینداری بیشتری می‌طلبد، تا انسان شایسته این همه مقام و رتبه شود (به نکایات پایانی این جزوه دقت کنید).

#### 5- بیان فضیلت حب آل پیامبر صلی الله علیه و آله

فعال ساختن کانال تبلیغ محبت اهل بیت علیهم السلام، در جذب دیگران اثر دارد. گفتن و مطرح کردن خوبیهای آنان مؤثر است. به عنوان يك دستورکار، باید فضیلت، آثار و برکات محبت اهل بیت علیهم السلام را بصورت پیوسته مطرح کرد. به هر حال در عده‌ای اثر می‌گذارد و مردم به دنبال يك موج تبلیغاتی در رسانه‌ها یا مراکز فرهنگی، به سمت و سویی گرایش می‌یابند. در این باره احادیث فراوان است. به عنوان نمونه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

الا و من مات علی حب آل محمد مات شهیدا، .

الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا له، .

الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الايمان، .

الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملك الموت بالجنة، .

الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنة، .

الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة... (69) .

هر کس با محبت آل محمد بمیرد، شهید مرده است، آمرزیده می‌شود، باتوبه می‌میرد، با ایمان کامل می‌میرد، فرشته مرگ او را به بهشت مژدمی دهد، در قبرش دو در به روی بهشت گشوده می‌شود، قبر او

زیار تگاه فرشتگان رحمت الهی می‌شود .

چنین روایاتی فراوان است. ذکر اینها دلها را تکان می‌دهد و شیفته اهل بیت علیهم السلام می‌سازد. از جمله نکاتی که در فضیلت این محبت در روایات فراوان آمده است اینهاست :

- حب اهل بیت، اساس دین و نظام دین است. (70) .

- حب اهل بیت، حب خداست. (71) به قول مولوی :

این محبت از محبتها جداست .

حب محبوب خدا، حب خداست .

- حب اهل بیت، حب رسول خداست. (72) .

- حب اهل بیت، هدیه الهی است. (73) .

- حب اهل بیت، برترین عبادت است. (74) .

- حب اهل بیت، باقیات الصالحات است. (75) .

پس وقتی حب اهل بیت علیهم السلام این همه فضیلت دارد، باید ظرف دل را از محبت آنان پر کرد و عشقها و علاقه‌ها را نثار آنان نمود که شایسته‌ترین افراد برای دوست داشتن و عشق ورزیدن‌اند و ارزش دل به عنوان يك ظرف، بستگی به محتوای محبتی دارد که در آن است. قیمت انسان، به عشقی است که در ظرف دلش جای می‌گیرد. هر چه آن معشوق و محبوب، ارزشمندتر و نفیس‌تر باشد، انسان هم قیمتی‌تر و پربهاتر می‌شود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! پیوسته مودت ما خاندان را داشته‌باشید و از آن جدا نشوید، هر کس خدا را در حالی ملاقات کند که مودت ما را داشته باشد، با شفاعت ما وارد بهشت می‌شود. (76) .

6- طرح نیازمندی و بهره‌مندی از این محبت

انسان معمولاً مجذوب کسی یا جایی می‌شود که گره از کار او بگشاید و بهره برساند. در رابطه‌های اجتماعی افراد، به وضوح این مساله دیده می‌شود. در زندگی ممتد و مستمر ما که تا آخرت ادامه می‌یابد، کجاها گیر می‌کنیم و نیاز به کمک داریم؟ هنگام مرگ، در برزخ، در رستاخیز، هنگام عبور از صراط و... که بشدت نیازمند و گرفتاریم، به کارسازی محبت اهل بیت علیهم السلام آگاه می‌شویم. در این زمینه هم حدیث بسیار است از جمله این چند حدیث مشهور رسول خدا صلی الله علیه و آله :

« - 1 حبی و حب اهل بیته نافع فی سبعة مواطن اهلین عظیمه: عند الوفاة و فی القبر و عند النشور و

عند الکتاب و عند الحساب و عند المیزان و عند الصراط». (77) .

حب من و محبت اهل بیت من در هفت جا سود می‌بخشد، هفت جایی که هول و هراس آنها عظیم است:

هنگام مرگ، در قبر، هنگام برخاستن از قبر، هنگام تحویل نامه اعمال، هنگام حساب و بررسی اعمال، هنگام سنجش عملها و هنگام عبور از صراط .

« - 2 سال رجل رسول الله عن الساعة، فقال: ما اعددت لها؟ قال: ما اعددت لها كئيرا، الا انى احب الله و رسوله. قال: فانتم مع من احببت (المرء مع من احب) قال انس: فما رايت المسلمين فرحوا بعد الاسلام بشيء اشد من فرحهم بهذا . (78) .»

مردی از پیامبر پرسید که قیامت کی است و چگونه است؟ حضرت پرسید: برای قیامت چه آماده کرده‌ای؟ گفت: چیز مهمی آماده نکرده‌ام، جز اینکه خدا و پیامبرش را دوست دارم. حضرت فرمود: تو با کسی هستی که دوست می‌داری (انسان با کسی محشور می‌شود که دوستش دارد). انس گوید: من ندیدم که مسلمانان، پس از اسلام به چیزی بیش از این سخن خوشحال شوند .

- 3 علی علیه السلام: «من احبنا كان معنا يوم القيامة، ولو ان رجلا احب حجرا لحشره الله معه». (79) .  
هر کس ما را دوست‌بدارد، در روز قیامت با ما خواهد بود، اگر کسی يكسنگ را دوست‌بدارد، خداوند او را با آن سنگ محشور می‌سازد .

این مژده بزرگی است که علاقه‌مند به اهل بیت علیهم السلام بدانند که در آخرت هم با آنان محشور خواهد بود. وقتی محبت تا این اندازه کارساز است، چرا این گنج را نداشته باشیم؟  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دم مرگ، وقتی که جانتان به گلوگاه می‌رسد، بیشترین نیاز را به محبت ما دارید. اگر حب ما در دلتان بود، فرشته‌مژده‌رسان می‌آید و می‌گوید: هر اسی نداشته باش، که ایمن شدی.  
(80) .

آثار محبت اهل بیت علیهم السلام در روایات، بسیار فراوان ذکر شده است، جمع‌بندی این آثار و منافع، بخصوص برای مرحله آخرت، در این عنوان‌های گنجد: (81) .

-موجب از بین رفتن گناهان می‌شود. (82) .

-دل را پاک می‌سازد. (83) .

-در دل، حکمت جاری می‌سازد. (84) .

-کمال دین است. (85) .

-موجب برخورداری از شفاعت است. (86) .

-نور در قیامت است. (87) .

-ایمنی در قیامت است. (88) .

-موجب ثبات در صراط است. (89) .

-از آتش دوزخ نجات می‌دهد. (90) .

-موجب محشور شدن با اهل بیت است. (91) .

-انسان را بهشتی می‌سازد. (92) .

-موجب خیر دنیا و آخرت و نجات از عذاب قبر است. (93) .

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به هر کس محبت امامان از اهل بیت مرا روزی کند به خیر دنیا و آخرت رسیده و بی شک اهل بهشت است و در حب اهل بیت من بیست خصلت و فایده است، ده تا در دنیا و ده تا در آخرت . (94) .

توجه به آثار و برکات این محبت، سبب شیفتگی انسان به اهل بیت علیهم السلام می‌شود و این گوه گرانبها را در نظر افراد، ارزشمند می‌سازد. نمونه‌های متعددی نقل شده از کسانی که به خواب زندگان آمده‌اند و چون از اوضاع و احوال پس از مرگ از آنها سؤال شده، در پاسخ گفته‌اند: بازار عمل خیلی کساد است، آنچه ما را نجات داد، محبت خاندان پیامبر بود. این نیز بخشی از نیازمندی ما را به محبت و کارساز بودن مودت اهل بیت نشان می‌دهد .

7- ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت علیهم السلام

وقتی کاری مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گیرد و به عنوان «الگو» مطرح می‌شود، در دیگران هم جذبه و کشش ایجاد می‌کند. ارزشگذاران جامعه، مسؤولان فرهنگی هنری، برگزارکنندگان مسابقات، جایزه‌دهندگان، اینها همه در ارزش به شمار آمدن این محبت نقش دارند. وقتی کسی به خاطر شعر گفتن یا قصه نوشتن یا کتاب خواندن در مورد ائمه علیهم السلام تشویق شود، هم محبت پیدا می‌کند و هم به خاطر این پیوند، احساس عزت و سربلندی دارد. چون می‌داند که این کیف و چادر و کتاب و جایزه را به خاطر این موضوع جایزه گرفته است و از آن قضیه، خاطره شیرینی به یادش می‌ماند که در پدید آوردن این جذبه، مؤثر است .

افراد نسبت به هر چه مورد تشویق و احترام قرار می‌گیرند، از جمله گرایشهای مذهبی و علاقه به اهل بیت، به آنها علاقه بیشتری پیدا می‌کنند و اگر بی‌توجهی و برخورد سرد ببینند، دل سرد و زده می‌شوند. در این زمینه، بخصوص تشویق در حضور دیگران مؤثرتر است. البته باید دقت کرد که تشویق، حالت «رشوه» پیدا نکند .

در جامعه به هر چه بها داده شود، هم نسبت به آن گرایش پیدا می‌شود و هم طرفداران، با غرور و افتخار آن را مطرح می‌کنند. مثلاً وقتی از جوانهای پرسند: درباره چه چیزی شعر می‌گویید، اغلب می‌گویند: عشق، بهار، دوستی، زندگی، گل و بلبل و... وقتی از نوجوانان و جوانان پرسیده می‌شود: چه کتابهایی می‌خوانید، می‌گویند: رمان، کتابهای علمی، داستانهای تخیلی و ...  
گویا سختشان است بگویند که درباره خدا و نماز و ائمه علیهم السلام شعر می‌گوییم یا کتابهای مربوط به

اهل بیت علیهم السلام و کتب دینی می خوانیم. چون از این جهت مورد تشویق قرار نمی گیرند و با نام اینها آب دهانشان را نمی افتد و احساس غرور شخصیت و بالیدن و فخر فروختن نمی کنند .

باید شرایطی پیش آورد که اگر کسی درباره اهل بیت علیهم السلام، شعر گفت، شعر حفظ کرد، حدیث حفظ کرد، کتاب خواند، قصه نوشت، فیلم ساخت، تابلوی هنری کشید، یا حتی نام ائمه علیهم السلام را داشت یا نام اهل بیت علیهم السلام را روی فرزند خود گذاشت، احساس افتخار و سربلندی کند و این را ارزش احساس کند و ارزنده تلقی کند. حب اهل بیت، لطف و موهبت ویژه الهی است که در دلهای شایسته جای می گیرد. به فرموده حضرت رضا علیه السلام :

«یهدی الله لولایتنا من احب». (95). )

خدا هر که را دوست بدارد، به ولایت ما راهنمایی می کند .

به قول شهریار :

چه شاعران که هم اهل صفا و مرد رهند ولی «مقام ولایت» به هرکسی ندهند معمولاً اشخاصی که به خاطر مثلاً نام علی، مهدی، فاطمه، حسین و... در مناسبت‌های ویژه امامان، جایزه می گیرند، نسبت به این نام‌ها و صاحبان آنها علاقه پیدا می کنند و دیگران هم آروز می کنند که کاش چنین نام‌هایی داشتند و به مواهب و هدایایی نایل می شدند. به این نکته باید چنان ظریف عمل شود که شوق داشتن چنین نام‌هایی در دل ایجادشود، نه آنکه به خاطر نداشتن این اسامی، عقده و بدبینی و احساس حقارت پدید آید و اثر منفی به بار آورد. این محبت باید چنان نفیس و قیمتی معرفی شود که دارنده آن، به داشتنش افتخار کند و آن را کوچک‌شمارد. توصیه امام صادق علیه السلام است که: مودت و دوستی ما را کوچک‌نشمارید، چرا که از باقیات صالحات است. (96). )

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم این گنج، پربهاست، من ارزان نمی‌دهم

وقتی از رسانه‌ها، تلویزیون، مسابقات و گزارشها، «الگو» معرفی می‌شود، تاثیرگذار است و همان الگوی مطرح شده، محبوب دلها می‌شود، خواه يك فوتبالیست باشد، یا آواز خوان، یا حافظ قرآن، یا مخترع، یا نقاش و شاعر و هرکس در هر زمینه و موردی مورد تشویق و تکریم قرار گیرد، همان «جهت»، مورد توجه مخاطبان اینگونه برنامه‌ها واقع می‌شود. تشویق يك هنرپیشه، گرایش به هنر را افزایش می‌دهد، تشویق يك حافظ قرآن، علاقه به قرآن و قرآنت و حفظ، پدید می‌آورد و بزرگداشت يك دانش‌آموز موفق در المپیادهای علمی، گرایش علمی جوانان را بالا می‌برد .

چهره‌ها، شعرها، شاعران و شخصیت‌های علمی، ادبی و هنری که حتی در کتب درسی کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود، محبت و علاقه می‌آفریند. از این رو در گزینش اینگونه چهره‌ها نیز باید دقت کرد، چون معرفی يك شاعر ولایی و انقلابی، نوعی الگو دادن است و گرایشهای مذهبی و اهل‌بیتی می‌آورد .

امام صادق علیه السلام فرمود :

«یا معشر الشیعه! ... علموا اولادکم شعر العبدی فانه علی دین الله». (97) .  
ای گروه شیعه! به فرزندانان شعر «عبدی» را بیاموزید، چرا که او بر دین خداست .  
این توصیه امام صادق علیه السلام که شیعیان شعر عبدی کوفی (98) را بهیچ‌هائشان یاد بدهند، بزرگترین تشویق و الگودهی است. شعر عبدی، از فضیلت‌های اهل بیت‌علیهم السلام، موج می‌زد. «سید حمیری» که از شاعران متعهدشیعه است می‌گفت: هر کس حدیثی بگوید از فضایل علی علیه السلام و اهل‌بیت‌علیهم السلام که من آن را در شعرم نگفته‌ام، این اسبم را به او می‌بخشم!  
ابوطالب، پدر حضرت علی علیه السلام از موحدان و مؤمنان به پیامبر اکرم بود و در وصف او اشعاری سروده است. نقل است که حضرت علی علیه السلام دوست‌می‌داشت که شعرهای ابوطالب نقل و تدوین گردد و فرمود: آنها را یادگیرید و به فرزندانان هم بیاموزید، چرا که ابوطالب، بر دین خدا بود و در شعر او دانش بسیاری است :

«کان امیر المؤمنین علیه السلام یعجبه ان یروی شعر ابی‌طالب وان یدون وقال :تعلموه و علموه اولادکم، فانه کان علی دین‌اللهوفیه علم کثیر». (99) .

این نیز نمونه دیگری در الگودهی فرهنگی و ادبی و توجه به محتوا و درونمایه مثبت و سازنده شعر و شاعر است که در انتقال به فرزندان باید مورد توجه قرار گیرد .  
دختر ابو الاسود دوتلی وقتی فهمید که خلیفه، عسل را فرستاده تا محبت اهل بیت‌علیهم السلام را از دل آنها بیرون کند، آنچه را خورده بود، پس آورد، و خواست با خوردن عسل، مهر آل علی را از دست بدهد.  
(100) .

معلمان در این مسائل خیلی می‌توانند خط‌دهی داشته باشند و به‌گرایشها و الگوگیریهای نوجوانان هت بدهند. حتی اگر يك دختر و پسر غیر متعهد، به خاطر اینکه اسمشان مهدی یا زینب و فاطمه است جایزه‌بگیرند، همین تأثیر ضمنی در ایجاد محبت می‌کند. اگر اهدای جوایز، در سالروز مناسبت‌های دینی و اهل‌بیتی انجام گیرد، بخصوص ولادتهای معصومین، در ایجاد زمینه‌های گرایش مؤثر است .  
در احادیث شفاعت آمده است که روز قیامت، حضرت زهرا علیها السلام شیعیان را شفاعت می‌کند. آنان که مورد شفاعت قرار گرفته‌اند، از خدا می‌خواهند که منزلت و قدرشان آن روز معلوم گردد. به آنان خطاب می‌شود: برگردید و بنگرید، هر کس به خاطر محبت فاطمه علیها السلام شما را دوست داشته، یا به شما طعام و لباس داده و آب نوشانده، یا از آبروی شما دفاع کرده، دست او را بگیرد و وارد بهشت‌سازید. (101)  
این نیز نشان دهنده ارزش این محبت و اثر بخشی آن در قیامت است .

8- تعظیم و تکریم و تعریف

جوانان، به خاطر حالت الگوگیری از مربیان، حتی از حالات و رفتار آنان هم سرمشق می‌گیرند و نکته می‌آموزند. حالات و حرکات معلم و مربی به صورت «آموزش غیرمستقیم» در شاگردان اثر می‌گذارد. مقام معظم رهبری آیه‌الله خامنه‌ای در دیدار با معلمان فرمود:

«عزیزان من! معلمان و معلمات عزیز! شماها در سر کلاس، نه فقط درسی که می‌دهید، بلکه نگاهی که می‌کنید، اشاره‌ای که می‌کنید، لبخندی که می‌زنید، اخمی که می‌کنید، حرکتی که انجام می‌دهید، لباسی که می‌پوشید، بر روی دانش آموز اثر می‌گذارد. ما به خودمان که مراجعه می‌کنیم، عمیقترین احساسات و عواطف و حالات خودمان را اگر ریشه‌یابی کنیم، در انتهای خط يك معلم را مشاهده می‌کنیم. معلم است که ما را می‌تواند شجاع یا جبان، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ، یا منجمد و بسته و پای‌بند به تفکرات جامد بار بیاورد. معلم است که می‌تواند ما را متدین، باتقوا، پاکدامن، یا خدای ناکرده بی‌بند و بار، بار بیاورد. معلم چنین نقشی دارد. این ارزش معلم است، این تاثیر معلم است.»

(102).

نحوه برخورد اولیاء، معلمان و مربیان با اهل بیت علیهم السلام در حضور فرزندان و جوانان، به آنان هم یاد می‌دهد. نام ائمه علیهم السلام را با تکریم و احترام یاد کردن، همراه اسمشان درود و صلوات فرستادن، به احترام نام امام زمان «عج» برخاستن و دست‌بر سر نهادن، روز میلاد ائمه علیهم السلام را جشن گرفتن و بزرگ داشتن، روز وفاتشان حریم نگهداشتن و حرفهای خنده‌دار و برخورد‌های شاد نداشته‌ها، در غم و اندوهشان حالت غم داشتن، تاثیرگذار است. در اینگونه مسائل، کوچکترها به بزرگترها نگاه می‌کنند. این حالت، خصلت شیعه است:

«شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا، یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا.»

شیعیان ما از اضافه سرشت ما آفریده شده‌اند. با شادی ما شد می‌شوند و برای اندوه ما اندوهگین می‌شوند. حتی کیفیت نام بردن و لحن ما در این مساله، مؤثر است. يك وقت می‌گوییم: «امام رضا گفت» و يك وقت می‌گوییم، «حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند». «این دو با هم خیلی فرق دارد. اگر هنگام شنیدن نام پیامبر صلی الله علیه و آله‌ها یکی از معصومین علیهم السلام، زیر لب صلوات بر آنها بفرستیم، این هم نوعی تکریم است و در دیگران تاثیرگذار. اگر بزرگترها، معلمان، مربیان، با شوق و ابتهاج و اظهار شیفستگی از ائمه حرف بزنند و از اهل بیت و محبت آنان سخن و داستان بگویند، مؤثر است. گوینده و تبلیغ‌کننده باید عقیده‌اش هم همان باشد که می‌گوید و با عقیده و باور و شوق و علاقه حرف بزند. این حالت به شنوندگان و مخاطبان هم منتقل می‌شود. انتقال حس و حالت از گوینده به شنونده و تماشاگر بدیهی است.

در احادیث مکرر، آمده است که هنگام شنیدن نام محمد صلی الله علیه و آله بر او درود بفرستید. خود امامان نیز اینگونه عمل می‌کردند و با شوق و احترام از اهل بیت یاد می‌کردند و این احساس به مخاطبین هم منتقل

می‌شد. وقتی «دعبیل»، شاعر اهل بیت، قصیده معروف خویش را برای امام رضا علیه السلام در خراسان خواند، چون به آنجا رسید که از امام زمان علیه السلام و ظهور و قیام او در آینده یاد می‌کند، حضرت دست‌بر سر گذاشت و به نشان تواضع در برابر نام مهدی علیه السلام، ایستاد و برای فرج آن حضرت دعا کرد. (103).

از امام صادق علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام پرسیدند که آیا او متولد شده‌است؟ حضرت فرمود: نه، ولی اگر من او را دریابم، در طول حیاتم خدمتگزار او خواهم بود. (104).

امام باقر علیه السلام چون از آن حضرت یاد کرد، خطاب به راوی (ام هانی ثقفیه) فرمود: خوشا به حال تو، اگر او را دریابی، خوشا به حال کسی که او را دریابد و دیدار کند. (105).

امامان، نسبت به نام حضرت رسول و حضرت فاطمه، با احترام و تقدیس یاد می‌کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله دست فاطمه زهرا علیه السلام را می‌بوسید، به احترام او برمی‌خاست، او را در جای خودش می‌نشاند، بر دستان و دهان او بوسه می‌زد و بارها می‌فرمود: پدرت به فدایت، پدر و مادرم به فدایت. (106).

امام کاظم علیه السلام فرمود: در خانه‌ای که نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، فاطمه باشد، فقر وارد نمی‌شود. (107).

سکونی در دیدار با امام صادق علیه السلام وقتی به آن حضرت خبر داد که خداوند به او دختری عطا کرده است، حضرت پرسید: او را چه نامیده‌ای؟ گفت: فاطمه. امام فرمود: آه، آه. سپس دست‌بر پیشانی خویش نهاد... آنگاه به او توصیه کرد: حال که نامش را فاطمه نهاده‌ای، به او ناسزا مگو و او را مزین. (108).

نامگذاری فرزندان به نامهای خاندان پیامبر و توجه دادن به آثار و برکات دنیوی و ثواب اخروی این نامها و توصیه اهل بیت به اینگونه نامگذاری و نقشی که این نامها در شکل دادن به شخصیت فرزندان دارد، در ایجاد این رابطه و محبت مؤثر است. (109).

در سالهای اخیر نسبت به برخی از مناسبتها مثلا ایام فاطمیه یا روز زن، در مورد حضرت فاطمه علیها السلام بیش از گذشته، کار فرهنگی و تبلیغی و گرامیداشت انجام شده است، یا نسبت به امام زمان علیه السلام. این است که می‌بینیم به همین تناسب، محبت حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت مهدی «عج» و گرایش به این دو نسبت به گذشته بیشتر شده است، بخصوص در میان جوانان. گرایش به عزاداری برای امام حسین علیه السلام و شور روز افزون ایام عاشورا نیز ریشه در همین تکریمها و ترویجها دارد.

برخوردامام راحل و مقام معظم رهبری با این مساله، مایه پرشوری این تعظیم شعائر در میان مردم و جوانان شده است.

کسانی که به هر نحو و جهتی مورد توجه افراد و بویژه جوانان در جامعه‌اند و حرفها، طرفداریهها، موضعگیریها و یادکردن هایشان برای دیگران الگوست و افراد را به سمت و سویی خاص سوق می‌دهد،



اگر از اهل بیت، یاد کنند و با شور و شوقی و احترام و تعظیمی نام ببرند در دیگران تاثیر می‌گذارد. مثلا آنکه يك چهره علمی، سیاسی، ادبی، عرفانی، هنری، ورزشی و... است و مورد توجه عامه و جوانان است، وقتی از دین، نماز، شهید، اسلام، قرآن، اهل بیت یاد کند و با احترام برخورد کند، در افرادی که به این الگوها و چهره‌ها دل بسته‌اند و دنبال‌هرو این‌هايند، محبت ایجاد می‌کند. همچنان که در بعد منفی هم اثر منفی دارد. اگر چهره‌های یادشده، مثلا از يك شخص، از يك جنس و کالا، از يك مکتب و مرام، از يك سنت و مراسم، از غرب و اروپا، از فلان کتاب و فلان شاعر و فلان برنامه‌تلویزیونی و فیلم سینمایی و... تعریف کنند یا خود را طرفدار آن جلوه‌دهند، در بعد تبلیغی و گرایش به سوی آنها مؤثر است. پس باید از این جنبه و حس تقلیدپذیری کودکان و نوجوانان که به دهان و رفتار دیگران نگاه می‌کنند و الگو می‌گیرند، در مسیر اهل بیت عليهم السلام استفاده مثبت کرد و از حالت «همانند سازی» که در بحث الگوها مطرح است، برای جذب آنان به معصومین و اهل بیت، بهره گرفت.

مثلا دیدن عکس امام امت در حال بوسیدن حرم و ضریح، ایجاد محبت به صاحب حرم می‌کند، چون عمل امام برای دیگران الگو و تاثیرگذار است.

یا ذکر این نکته که علامه طباطبایی روزه خود را با بوسه زدن بر ضریح حضرت معصومه علیها السلام افطار می‌کرد، و وقتی تابستانها به مشهد مشرف می‌شد، وقتی از او تقاضا می‌کردند در اطراف مشهد، جای خوش آب و هوای اقامت کند، قبول نمی‌کرد و می‌فرمود: ما از پناه امام هشتم جای دیگر نمی‌رویم. بیان این که حضرت امام قدس سره وقتی قم بود، پیوسته هر غروب حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می‌کرد و در ایام اقامت در نجف، هر شب به زیارت حرم مولا مشرف می‌شد.

بیان حالت‌های خاص علامه امینی در هنگام زیارت و حالت شوقی که به اهل بیت عليهم السلام و علی علیه السلام داشت و با چشمی اشکبار و شور و حالی تماشایی حضرت امیر علیه السلام را زیارت می‌کرد، یا اشاره به اینکه آیه‌الله بروجردی به آستانه حضرت معصومه سفارش کرد که اسم مرا هم جزو خدام افتخاری حضرت معصومه علیها السلام بنویسید، (هم‌اکنون نیز برخی از مراجع تقلید در قم، جزو خدام افتخاری این آستانه‌اند و در جلسات خدام افتخاری شرکت می‌کنند).

یا اینکه به شیخ انصاری گفتند شما آستان حضرت ابوالفضل را ببوسید، تا مردم به کار شما نگاه کنند و ادای احترام بیشتر به آن حضرت کنند و تشویق شوند، فرمود: من آستان حضرت ابوالفضل را نه به خاطر اینکه آستان اوست، بلکه به خاطر اینکه جای پای زوار آن حضرت است می‌بوسم و افتخار می‌کنم... ذکر اینگونه نمونه‌ها در دل افراد دیگر هم اثر می‌گذارد و محبت می‌آفریند.

حضرت امام خمینی قدس سره که محبوب دلها و الگوی همه است، در مقدمه وصیتنامه خویش، با تعبیر مکرر «ما مفتخریم که...» به پیروی از مذهب شیعه، به داشتن نهج البلاغه، ادعیه حیات بخش ائمه، مناجات شعبانیه، دعای عرفه، صحیفه سجادیه، صحیفه فاطمیه، امامت ائمه دوازدهگانه، وجود امام باقر، جعفری

بودن مذهب و... مباحثات و افتخار می‌کند. وقتی شخصیت عظیمی همچون امام، با افتخار از ائمه و مذهب و ادعیه و صراط‌شيعه و .. یاد می‌کند، در ذهن شیفتگان او نیز تاثیر می‌گذارد و این محبت‌به دل آنان نیز نفوذ می‌کند (ما مفتخریم که باقر العلوم، بالاترین شخصیت تاریخ... از ماست، ما مفتخریم که ائمه معصومین... ائمه ما هستند، مامفتخریم که مذهب ما جعفری است...).

اینگونه یادکرد بزرگان و چهره‌های محبوب، از بزرگان دین و اهل بیت، محبت می‌آفریند .

طبعاً زبان و بیان خاص مربوط به نوجوانان و جوانان، چه در سخن‌ها و چه در نوشته‌ها باید مراعات شود و افق فکر و سطح معرفت کودکان در نظر گرفته شود، چه در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، چه در صبحگاهها و مراسم جشن و عزا، در خانه‌ها، مدارس و مساجد و هیئت‌ها.

#### -برپایی مراسم و تعظیم شعائر

نحوه برخورد بزرگترها با مناسبت‌های ویژه اهل بیت، در فکر و روح کودکان هم مؤثر است. برپایی مراسم جشن یا سوگواری، شرکت کردن و شرکت دادن در چنین برنامه‌هایی مؤثر است. در سایه اینگونه تعظیم‌شعائر، آن فرهنگ دینی و علقه‌های ولایی پابرجا می‌ماند و تقویت می‌شود. امامان معصوم علیهم السلام نیز از این شیوه بهره می‌گرفتند و به آن توصیه می‌کردند. برای پیروان اهل بیت، تکریم مناسبت‌هایی همچون ایام عاشورا و روز غدیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهل بیت، به این دو مناسبت بسیار بها می‌دادند. «غدیر خم» را يك عيد بزرگ اسلامی می‌دانستند و بهروزه و عبادت و تبریک‌گویی و دید و بازدید و شادمانی و پوشیدن لباس نو و احترام این روز دستور می‌دادند، تا در ذهن شیعه، به عنوان يك روز مهم و به یادماندنی باقی بماند. (110).

نسبت به ایام عاشورا نیز، مراسم گرفتن در خانه‌ها، مدرسه‌ها، ادارات، بازارها و... مؤثر است. در بسیاری از خانه‌ها و خانواده‌ها که مراسم دیرین و درازمدت «روضه خانگی» برقرار می‌شود، معمولاً افراد آن خانه با حب اهل بیت‌بار می‌آیند و این محبت و ولا را به عنوان يك گوهر، حفظ می‌کنند .

حتی ترویج مسائلی همچون اطعام، احسان، وقف، نذر، هدیه در راه اهل بیت، به رسوخ این محبت در قلوب، كمك می‌کند. حفظ سنت‌های دینی در خانواده‌ها و گسترش آن به مدرسه‌ها، مجتمع‌ها و مجموعه‌های انسانی، می‌تواند مفید باشد .

برگزاری جشنهای میلاد امام زمان علیه السلام در این میان اهمیت خاصی دارد و ایجاد شوق به مناسبت تولد امامی که هنوز هم زنده است و حاضر و ناظر بر ماست و ما چشم به راه آمدن اویم، بعد عاطفی و عشق آفرینی بیشتری دارد. زمینه آن نیز به طور طبیعی در میان کودکان و نوجوانان وجود دارد و نیمه شعبان خاطره‌ای فراموش نشدنی برای آنان است.

#### 10- استفاده از حس کمالجویی

مردم به «کمال» و «جمال» گرایش دارند. کمال جویی انسانی، بویژه در سنین نوجوانی و جوانی سبب می‌شود به سوی انسانهای برتر، ابر انسانها، الگوهای قدرت و علم و شهرت و محبوبیت جذب شوند و حس قهرمان‌گرایی خود را در عشق ورزیدن به آن الگوهای آرمانی ارضاء کنند و اگر هم چنین الگوها و قهرمانهایی وجود نداشته باشند، آنها را می‌سازند و می‌پردازند، حتی در خیال خویش. نظریه قهرمان‌گرایی برای کمال، بخصوص در قشر جوان و نوجوان، امری روشن است، فرد، بویژه در نوجوانی همواره به قهرمان توجه دارد و «اگر بدان دسترسی نداشته باشد، حتی در عالم خیال و رؤیا از بسیاری از جهات او را الگو و مدل رفتار خویش قرار می‌دهد و از تصور خاص خود از او، از رفتار او، از گفتار او، از طرز لباس پوشیدن و از قیافه و هر چیز مرتبط با او الهام می‌گیرد. قهرمان منتخب، کعبه انطباق رفتار نوجوان است». (111) «قهرمانان، خدایان زمین‌اند. بشر در آنان نیز قدرت، کمال و جمال آسمانی یا می‌جوید یا به آنان نسبت می‌دهد. بتی با دست خویش می‌تراشد، صفتهای خدایی به او نسبت می‌دهد و آنگاه معبود خود ساخته‌اش را می‌پرستد». (112).

حال که چنین است، هر چه این قهرمانان و الگوها، متعالی‌تر، کامل‌تر، آسمانی‌تر و خدایی‌تر و بی‌عیب‌تر باشند، مدار جاذبه قوی‌تری ایجاد می‌کند و این کشش و محبت، سازنده‌تر خواهد بود. (113). باید از حس آرمان‌گرایی بهره گرفت و توسط اهل‌بیت، این خلا را پرکرد. اهل‌بیت از نظر قدرت جسمی، قدرت روحی، کرامات و معجزات، اتکاء به قدرت خدا، برخورداری از علم لدنی و الهی، فضیلت و کمال، از همه انسانها برترند. مظهر کمال و جمال الهی‌اند.

طرح شجاعتها، فضایل و معجزات و کراماتشان، شفا دادن‌ها و رفع مشکلات و مقام شفاعت نزد خداوند و رفع حاجت توسل جویندگان، در ایجاد علاقه نسبت به آنان مؤثر است. و عاظ و مرثیه‌خوانانی که در ایام سوگواری، از حوادث عاشورا سخن می‌گویند و با ذکر مصائب و مظلومیت اهل‌بیت، دلها را به سوی آنان جذب و معطوف می‌کنند، اگر در کنار این‌شداید، از رشادتها و قهرمانی‌های شهدای کربلا هم بگویند، آن چهره‌ها محبوب‌تر می‌شوند. گاهی خود افراد به واعظ می‌گویند: از شجاعت و رزم‌آوری عباس و علی اکبر و امام حسین بر ایمان بگو. این نشان‌دهنده این است که بیان ابعاد حماسی این الگوها، جامعیت و کمال

بیشتری را در ذهن مخاطب، ترسیم می‌کند و بر علاقه‌ها می‌افزاید .

البته از معجزات و کرامات، باید آنهایی را برای کودکان و نوجوانان گفت که قابل فهم و هضم برای آنان باشد .

اگر جوانان و کودکان، شیفته انسانهایی می‌شوند که از نظر علمی، فنی، نبوغ ادبی، ورزیدگی جسمی، شجاعت و توانمندی، روحیه‌های والا، زیبایی، بخشندگی و جوانمردی در سطح بالایی قرار دارند، باید گفت که اهل بیت، از نظر علم، زهد، قدرت، فصاحت و بلاغت، شجاعت و سخاوت، کمال صورت و سیرت، عبادت و عرفان، زیبایی و جمال ظاهری، مردانگی و گذشت و احسان، صبر و مقاومت از همه انسانها برتر و بالاترند. طرح‌آنان بعنوان چهره‌های آرمانی، محبتشان را در دلها می‌آفریند. کدام‌مشخصه و خصلت و فضیلت جاذبه‌آفرین و دوست‌داشتنی و محبت‌آور را می‌توان نام برد که حد اعلا و بالاترین مرتبه آن در اهل‌بیت عصمت، تجلی نداشته باشد؟

در حدیثی، امام رضا علیه السلام در توصیف دین و مرام ائمه اهل‌بیت، چنین می‌فرماید :  
«و ان من دینهم الورع والعفة والصدق والصلاح والاجتهاد واداء الامانة الى البر والفاجر و طول السجود والقيام باللیل واجتناب المحارم و حسن الصحبة و حسن الجوار و بذل المعروف و كف الاذى و بسط الوجه والنصيحة والرحمة للمؤمنين». (114) .

پرهیزکاری، پاکدامنی، راستگویی، شایستگی، تلاش، امانت‌داری نسبت به نیک و بد، سجود طولانی، شب‌زنده‌داری، پرهیز از حرامها، معاشرت خوب و رفتار مناسب با همسایه، بخشش نیکی، پرهیز از آزار، گشاده‌رویی، خیرخواهی و رحمت‌برای مؤمنان، از دین و مرام ائمه است .  
در زیارت جامعه، اوصاف برجسته و فضایل ارجمندی از امامان نقل شده است. از جمله اینکه: هرگاه خیر و خوبی یاد شود، اول و ریشه و شاخه و منبع و جایگاه و منتهای آن هستید و هر نیکی از شما آغاز می‌شود و به شما پایان می‌گیرد . (115) .

شماره خدا را باز کردید شهادت را شما آغاز کردید

فدا کردید جان، تا دین بماند به خون خفتید، تا آیین بماند

اهل بیت عصمت، محبوب‌ترین انسانها، ارزنده‌ترین دوستها، زبندترین محبوبه‌ایند که جامعیت بی‌نظیر نسبت به همه خوبیهای اخلاقی و رفتاری دارند و آنچه خوبان همه دارند، اهل‌بیت به تنهایی دارند و بهترین چهره‌های دوست‌داشتنی و عشق‌ورزیدنی‌اند. در حدیث امام‌صادق علیه السلام است که سه چیز محبت‌آور است: دین، تواضع، بذل و بخشش. (116) امامان شیعه و اهل‌بیت، هم محور و مدار دین و آیین‌اند، هم با همه مقام و مرتبه‌ای که دارند در تواضع و فروتنی پیشتازند و هم در سخاوت و داد و دهش سرآمد مردم روزگارند. یاد کردن از نمونه‌های اخلاقی امامان و از تواضع، جود و بخشندگی آنان، علاقه‌مندی به آنان را می‌افزاید .

روزی معاویه، یکی از بانوان شجاع و شیفته علی بن ابی‌طالب علیه السلام به نام «دارمیه حجونی» را احضار کرد. از او پرسید: می‌خواهم بدانم بر چه اساس و جهتی علی را دوست می‌داری و با من دشمنی؟ پاسخ داد: علی رابه آن جهت دوست دارم و به ولایت او دل بسته‌ام که او در میان مردم به عدالت رفتار می‌کرد، حقوق را مساوی تقسیم می‌کرد، پیامبر او را به ولایت برگزیده بود، دوستدار محرومان بود، دینداران را گرامی می‌داشت و تو را نیز به خاطر جنگیدن با علی علیه السلام که سزاوارتر از توست، و به خاطر ستمگری، حکومت هوسرانانه و قضاوت جائرانه‌ات دشمن می‌دارم. (117).  
جلوه‌های برجسته اخلاقی و رفتاری علی علیه السلام آنگونه است که آن بانوی دلیر را هوادار وی ساخته است. فضیلتها همواره جاذبه دارد.

#### 11- معرفی ولی نعمتان

ما از هر کس که احسان و نیکی ببینیم، به او محبت پیدا می‌کنیم (الانسان عبید الاحسان). طرح نیکی‌ها و احسانها و فواید و نعمتهایی که از سوی ائمه به ما رسیده است، در ایجاد محبت مؤثر است. آنان واسطه فیض الهی‌اند، وسیله قضای حاجات ما از درگاه خدا می‌شوند، هدایت‌کننده و پیشوای دینی ما، به وسیله آنان در مسیر توحید ناب و راه درست و صراط مستقیم قرار گرفته‌ایم. صاحب و ولی نعمت ما آنها هستند (بیمنه رزق الوری). توجه داشتن و توجه دادن به نعمت و شناخت صاحب نعمت، محبت‌آور است. خداوند به حضرت موسی وحی فرمود که مرا دوست‌بدار و مردم را هم‌دوستدار من کن. گفت: خودم دوستت دارم. با دل مردم چه کنم؟ خداوند وحی فرمود که آنان را به یاد نعمتهای من ببنداز «فذكر هم نعمتی وآلائئ» (118). در بخش عمده‌ای از آیات و احادیث، نعمتها و احسانهای الهی در حق بشر برشمرده شده است. اینها زمینه خدادوستی و خداپرستی را در انسان پدید می‌آورد.  
در حدیث دیگر است که خدا به حضرت داود چنین وحی کرد. داود عرض کرد: خودم به تو محبت دارم. مردم را چگونه دوستدار تو سازم؟ «فكيف احببك الی خلقك؟». خداوند فرمود: از راه یادآوری نعمتهایم، مرا محبوبشان ساز «اذکر ایادی عندهم فانك اذا ذكرت ذلك لهم احبونی» (119).  
در روابط خانوادگی نیز، گاهی برای ایجاد محبت و کشش در میان کودکان نسبت به بعضی از فامیل، یادآوری می‌کنند که: او که برایت فلان چیز خرید، تو را به گردش برد و... چنین و چنان کرد. یادآوری خوبیها و انعام‌های آنان نسبت به کودکان، ایجاد جاذبه و علاقه می‌کند.  
ائمه نیز حق زیادی بر ما دارند و ما هر چه داریم، بخصوص نعمتها و مواهب معنوی و دینی از این خاندان است و آنان واسطه فیض خدا بر بندگانش و باید اینها یادآوری شود تا محبت بیافریند. در زیارت جامعه در باره نقش رحمت‌آور اهل بیت در عالم تکوین می‌خوانیم:

«بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه .»  
 خداوند به سبب شما آغاز کرد و به شما ختم می‌کند، به خاطر شما باران و ابر می‌فرستد، و به سبب شما آسمان را نگه می‌دارد که جز با اذن او بر زمین نیفتد .  
 و در مورد نقش هدایتی و ارشادی و دین‌آموزی آنان و جایگاهشان در تبیین دین، می‌خوانیم :  
 «بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیاناو بموالاتکم تمت الكلمة و عظمت النعمة و اتلفت الفرقة و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة .»  
 به سبب موالات و دوستی با شما، خداوند نشانه‌های دینمان را به ما موخت و آنچه از دنیایمان تباه شده بود اصلاح کرد، به سبب موالات شما سخن تمام شد و نعمت، عظمت یافت و تفرقه‌ها به همدلی گراید، با موالات شما طاعت واجب الهی قبول می‌شود .  
 اهل بیت، معلمان دین و مرشدان حیات و راهنمایان زندگی مايند و اگر به توحید و اسلام ناب دست‌یافته‌ایم، در سایه تعالیم آنان است و مدیون آنانیم. خدا را بر این نعمت و منت باید شاکر بود. به این خاندان هم‌باید عشق ورزید .  
 امام صادق علیه السلام درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود :  
 «لولا هم ما عرف الله عزوجل». (120) .  
 اگر آنان نبودند، خدای متعال شناخته نمی‌شد .  
 امام امت قدس سره به صورت اکید، یادآور این بودند که دین ما، انقلاب ما، پیروزی ما و ملت ما همه مدیون ابا عبدالله الحسین علیه السلام و عاشوراست. تعابیری از قبیل: «این خون سیدالشهداست که خونهای همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد»، «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته‌است»، «فداکاری سیدالشهداست که اسلام را برای ما زنده نگه داشته‌است»، «اگر قیام حضرت سیدالشهدا نبود، امروز ما هم نمی‌توانستیم پیروز شویم»، «شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد»، «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است»، همه توجه‌دادن به نعمت معنوی اهل بیت نسبت به امت ماست و این سبب می‌شود که خود را رهین این نعمت بشناسیم و محبت اولیای دین در دلمان بیشتر شود .  
 نعمت ولایت و محبت، از بزرگترین نعمتهاست. در یادآوری نعمت‌ها تنها به نعمت‌های مادی نباید اکتفا کرد. نعمت‌های معنوی که اغلب به چشم نمی‌آید و مورد غفلت قرار می‌گیرد نیز باید یاد شود تا قدر آنها شناخته‌گردد. همین که ما آشنا و دوستدار این خاندانیم و محبت آنان را در دل داریم، نعمت عظیمی است که با هیچ چیز قابل مبادله نیست. امامان خودشان نیز گاهی دوستداران را به ارجمندی و فضیلت این نعمت معنوی توجه داده‌اند و آن را بزرگترین برخورداری و ثروت دانسته‌اند .

مردم، آرمان‌گرا و قهرمان دوستند و در پی فرزانه‌گیايند. در غرب، درباره شخصيتها و چهره‌های ملی و علمی‌شان، آن‌قدر کتاب و مقاله‌می‌نویسند، فیلم و مجسمه می‌سازند و تبلیغات می‌کنند، تا آن چهره را در نقش الگو و قهرمان در ذهن و دل ملت خود جا دهند. ما چرا درباره بزرگان دینمان که بسیار ارزنده‌تر و شایسته‌ترند چنین نکنیم؟ اگر مردم شخصیت و فضیلت و فکر و فرهنگ امامان اهل بیت علیهم السلام را بشناسند و با سخنان بلند آنان آشنا شوند، به آنان علاقه پیدا می‌کنند و این علاقه به تبعیت و همسویی می‌کشد. امام رضا علیه السلام در حدیثی فرموده است :

«ان الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا» (121).

مردم اگر خوبیهای حرفها و تعالیم ما را بشناسند از ما پیروی می‌کنند .

ترویج احادیث اهل بیت و مسابقات حفظ حدیث در این زمینه مفید است. استفاده از «چهل حدیث» های گوناگونی که از سوی برخی ناشران در موضوعات مختلف تدوین و منتشر شده است، جهت این کار پیشنهاد می‌شود. برنامه حفظ این چهل حدیث‌ها یا احادیث دیگر نیز مفید است .

انتخاب مفاهیم و موضوعات برای گفتن به کودکان و جوانان بسیار مهم است. در احادیث امامان بسیاری نکته‌ها و معارف نهفته است، ولی همه آنها قابل گفتن برای همه نیست. گاهی برای مخاطب قابل هضم نیست، به جای جاذبه، دافعه دارد و به جای گرایش به مکتب اهل بیت، فراری می‌دهد و به جای روشنگری اذهان، شبهه می‌آفریند. در انتخاب هم باید ذوق و خرد داشت و زمینه و ظرفیت‌ها را سنجید و این نکته بسیار مهم است .

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش به نام مدرک بن هزهاز فرمود: ای مدرک! به یاران ما سلام برسان و بگو: رحمت خدا بر کسی که مودت مردم را به سوی ما بکشد، به آنان سخنانی از ما بگوید که آنرا می‌شناسند و می‌پذیرند و آنچه را حالت انکار و عدم پذیرش دارند نگوید. (122).

باید جوانان و نوجوانان، شیرینی کلام اهل بیت و عمق حکمت‌های آنان را دریابند تا از طریق سخنانشان، شیفته شخصیتشان شوند. در این مورد، کلمات قابل فهم‌تر، ترجمه‌های شیوا و دلنشین و روان و انتخاب موضوعات کاربردی، و چاپ زیبا و جذاب مؤثر است. گاهی باید از طریق «شکل»، مخاطب را به «محتوا» جذب کرد .

اینکه چگونه مردم و جوانان و بشریت را با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام باید آشنا کرد، نکته ظریفی است و باید از تکنیک هنر استفاده کرد و در عرضه محتوای کلامی و حیاتی ائمه علیهم السلام به نسل امروز از قالب‌های نو و جاذبه‌های هنری و شیوه‌های اثرگذار بهره گرفت. کار رسانه‌ها در این جهت مهم است و متأسفانه اغلب، ضعیف و غیرجذاب ارائه می‌شود .

فضایل اهل بیت علیهم السلام در دو محور قابل طرح است :

1- جهات آرمانی و خلقت و طینت و سرشت متعالی و نور خدایی و ...

این بخش از فضایل، گرچه ارزشمند است و مقام آنان را نزد خدا آشکار می‌سازد، ولی چون جنبه عملی و سرمشق‌گیری و تاسی در آنها نیست، کمتر اثر تربیتی و جاذبه عملی دارد. گاهی هم برای نوجوانان غیر قابل هضم و درک است.

2- جهات عملی و قابل اسوه‌گیری و تبعیت عینی و ملموس از رفتار اهل بیت علیهم السلام.

آشنا ساختن نوجوانان و جوانان با «سیره معصومین» و زندگی ائمه بسیار لازم و مفید است. اینجا آشنایی با تاریخ به کار می‌آید. شیوایی قلم و جاذبه و هنرمندانه بودن نگارش نیز نباید از یاد برود. ذکر نمونه‌هایی از صبر، ایثار، عفو، تواضع، عبادت، شجاعت، اخلاص، عطا و بخشندگی، فتوت و جوانمردی، حسن خلق، علم و حلم، کیفیت نماز و روزه و تهجد و حج و اعمالشان، همه و همه بسیار سودمند است. بخصوص حکایاتی از اهل بیت که نوعی برخورد خوب و شایسته و احترام‌آمیز با نوجوانان را در بردارد، تاثیرگذارتر است. مثلاً قصه پیرمرد و امام حسن و امام حسین و کیفیت وضو یاد دادن، یا رفتار پیامبر با کودکان و سلام دادن به آنان، یا بغل کردن و بوسیدن کودکان خردسال مؤمنین. معرفی کودکان اهل بیت و جاذبه‌های رفتاری آنان برای کودکان ماتاثرگذارتر است و این سنخیت در سن و سال، بیشتر جاذبه می‌آفریند.

محبت در دل نوجوانان اگر بصورت يك بذر کاشته شده باشد، با ذکر نمونه‌های خوب اخلاقی و سیره اهل بیت علیهم السلام باید آن را آبیاری کرد، تا هم‌خشک نشود، هم رشد کند و ثمرات بیشتری دهد. این، سبب تعمیق محبت می‌شود. (123) (مطالب ارزشمندی که در کتابهای معتبر و اصیل نهفته، باید استخراج شود تا نسل نوجوان امروز هم از آن ذخایر بهره‌مند شوند.

انتخاب شعرهای ناب، زیبا و روان درباره شخصیت امامان و اهل بیت، نیز خواندن و اجرای دلنشین و شیرین آنها ایجاد محبت می‌کند. از میان انبوه قصاید و اشعار ولایی، باید دست‌به‌گزینش زد. آگاهی و ذوق لطیف، در این گزینش بسیار نقش دارد. در این مساله نیز، همچون برنامه‌های دیگر فرهنگی و هنری برای کودکان و نوجوانان، توجه به نکات روانشناسی و روحیات ویژه این مقطع سنی و تحصیلی ضروری است.

13- گره زدن خوشیهای زندگی به حیات ائمه علیهم السلام

خوش آمدن از چیزی، علاقه ایجاد می‌کند. باید کوشید شخصیت و زندگی و خاطره اهل بیت و مراسم و مجالسشان در ذهن کودکان خاطر خوشی بر جای بگذارد. با استفاده از قضیه شرطیه (قضیه پاولوف) به نحوی عمل کنیم که با دیدن چیزی و خاطره‌ای، پیوند با اهل بیت علیهم السلام مطرح شود. جشن گرفتن و شیرینی و عیدی دادن‌ها و جشن تکلیف گرفتن و اعطای مدال و اهدای جوایز و تشویقها اگر در روز تولد



معصومین علیهم السلام باشد، خواهناخواه تاثیر غیر مستقیم دارد. گره خوردن يك خاطره خوش با اهل بیت علیهم السلام، مثلا شبها یا روزهای میلاد ائمه علیهم السلام، در خانه‌ها و مدرسه‌ها مان باید يك حادثه خوب یا خاطره خوش و برنامه جاذبه‌دار پیش آوریم، مثلا در مناسبت‌های مربوط به اهل بیت با يك جعبه شیرینی به خانه رفتن، روز تولد امامان يك جعبه شیرینی در دفتر مدرسه گذاشتن و به همین مناسبت‌ها در خانه و مسجد و محله و مدرسه، جشن گرفتن، سبب می‌شود این مناسبت‌ها از یاد نرود و این شادی‌ها با این ایام و نام و یاد اهل بیت، حالت شرطی پیدا کند .

کسی می‌گفت: با فرزند کوچکم به مسجد و برای نماز جماعت رفتیم. بین دو نماز، شیرینی به افراد دادند. فردا شب پسرم گفت: بابا! مسجد نمی‌رویم؟ از آن پس هر وقت او را به مسجد می‌برم، اگر شیرینی و... نبود، وقتی بیرون آمدیم حتما برایش شکلات می‌خرم، تا پیوند مسجد آمدن بابر خورداری از يك چیز دوست‌داشتنی در ذهن او گسسته نشود و علاقه به مسجد و نماز، تداوم یابد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الهدية تورث المودة» (124) هدیه، محبت می‌آورد . اگر این هدیه در ارتباط با خاندان عصمت و اهل بیت باشد طبیعی است که محبت آنان را در پی خواهد داشت .

در هر برنامه دینی و مذهبی می‌توان از این شیوه برای ایجاد علاقه استفاده کرد، مثل نماز جمعه، جلسه دعا یا سخنرانی، شرکت در مراسم مذهبی و مجالس سوگواری یا مسجد و نماز جماعت. در مناسبت‌های ویژه ائمه نیز اگر از این شیوه استفاده شود، در ایجاد جاذبه مؤثر است .

دیده از اشک و دل از داغ و لب از آه پر است عشق در هر گزری رنگ دگر می‌ریزد (125)

#### 14- پرهیز از عوامل محبت‌زدا

در کنار برنامه‌های محبت‌آفرین، از کارهای نفرت‌آفرین هم باید پرهیز کرد. گاهی برخی حرکات، رفتارها، برخوردها، حرف‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌ها، مانع پیدایش «پیوند محبت» می‌شود و به عنوان عامل منفی و ضد تبلیغ اثر سوء می‌گذارد و عامل دفع می‌گردد. مثلا اگر مجالس حسینی خسته کننده و ملال‌آور شود، یا سر و صداهای آن برای دیگران مزاحمت و سلب آسایش داشته باشد، یا با کودکان در محافل اهل بیته بد رفتاری و برخورد سبک و تحقیرآمیز و از روی بی‌اعتنایی و طرد انجام گیرد، یا اینگونه کارهای مذهبی به صورت تحمیلی و اجباری درآید، یا توسط افراد بد اخلاق، بد قیافه، بد صدا، بد سابقه و بد رفتار، ژنده و ژولیده و چرك آلود انجام شود، اینها به عنوان «مانع» ایجاد محبت یا موجب بدبینی و تنفر و رمیدن و گسستن می‌گردد .

سعدی در مورد کسی که با صدای گوش خراش و بد قرآن تلاوت می‌کرد، گفته است :

گر تو قرآن بدین نمط خوانی ببری رونق مسلمانی

از این رو، گاهی هم برای ایجاد محبت یا استمرار محبت نسبت به اهل بیت، باید عوامل منفی و موانع را زدود، تا جاذبه فراهم آید و علاقه پیدا کنند. شیوه جذب بسیار مهم و حساس است. بعضی‌ها مثلاً در شبهای محرم، پس از نیمه شب هم از صدای بلندگوی مسجد یا حسینیه، خواب و آسایش ندارند، یا بیمار دارند، یا شب‌درسی و امتحانی است و... در این صورت، این تبلیغ به ضد تبلیغ تبدیل می‌شود و از عزاداری بیزار می‌شوند.

امام امت و مقام معظم رهبری، به خاطر تاثیر منفی قمه‌زنی در اذهان دیگران، فتوا دادند که به خاطر مصالح اسلام و شیعه، از این کار خودداری شود، چون بعضی از همین کار زده می‌شوند و به دستگاه حسینی جذب نمی‌شوند و بهانه‌ای برای تبلیغات سوء دشمن می‌شود.

#### 15- ایجاد فضای روحی و معنوی

یکی از راهها، پدید آوردن صحنه‌ها و فضاهایی است که بچه‌ها در شرایط روحی خاصی قرار بگیرند و بتدریج حس درونی آنان بیدار شود و جذب گردند. چه‌بسا اگر کودکان (و حتی بزرگان) را به حال خود رها کنیم، به این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسل نیایند. ولی اگر تربیتی دهیم که در این فضا قرار گیرند، جذب می‌شوند. مثلاً اردوهای فرهنگی و زیارتی و دیدارها از حرما، زیارتگاهها، شرکت در مجالس دینی و دعا و توسل و عزاداری و ملاقات با شخصیت‌های معنوی و اهل‌بیتی، ایجادکننده یا محکم‌کننده این رشته و رابطه است.

این همه اردوهای سیاحتی و زیارتی در طول سال، بویژه در تعطیلات تابستانی تشکیل می‌شود و دانش‌آموزان مثلاً به قم، شیراز، مشهد، جمکران، مرقد امام و امثال آن می‌روند، تنها تماشای ساختمان و در و دیوار و گنبد نباشد، همراه این دیدارها تغذیه فکری و روحی شوند و مطلبیاد بگیرند و الگو بگیرند و عشقها و علاقه‌هایشان را به این خاندان پیوند بزنند. دیدار با شخصیت‌هایی که تاثیرگذارند، در صورت امکان حتماً در برنامه این سفرها و اردوها قرار بگیرند. شرکت در مجالس با حال همینطور است. قرار گرفتن در جمع «دوستان اهل‌بیت»، این حس و حالت را ایجاد می‌کند، مثل هر جمع دیگری که فضا و روحیه جمعی در افرادی که وارد آن جمع می‌شوند، مؤثر است.

مجالس سوگواری و دعا و حضور در حرما و زیارتگاهها بسیار مهم است. در مجالس عزا و نوحه، عواطف بر محور محبت اهل‌بیت به جوش می‌آید، دلها شکسته می‌شود، اشکها جاری می‌گردد و گریه، افراد را باخاندان پیامبر گره می‌زند و مرتبط می‌سازد. گریستن در مجالس سوگواری، دلها و عاطفه‌ها را هم تلطیف می‌کند، هم تقویت. در حالت عادی یا فردی، ممکن است نه دل بسوزد، نه اشک جاری شود، نه

انقلاب‌بروحی دست دهد. ولی تاثیر جو عاطفی و معنوی يك جلسه و مراسم وحس عمومی و گروهی حاضران را هم‌آوا می‌سازد و معبر دل را باز می‌کند .

اینگونه مجالس، اگر در خانه و مدرسه و محله برگزار شود و نوجوانان دربرپایی آن و انجام خدمات و کار برعهده گرفتن و همکاری و... مشارکت‌داشته باشند، آنان را دوستدار بار می‌آورد .

زیارت نیز از همین مقوله‌هاست. همچنانکه دیدار حضوری با يك انسان والا و پاک، مؤثر است، حضور در کنار تربیت معصومین و حریمهای مقدس نیز، پاکساز روح است و شوق‌آفرین. اگر محبت و معرفت‌باشد، «شوق زیارت» هم در پی آن است و اگر به زیارت رویم، خود زیارت، محبت‌آور است و زیارت و محبت در یکدیگر تاثیر متقابل می‌گذارند. محبت، زیارت را در پی دارد و زیارت، محبت را. نزدیکی مادی و فیزیکی، قرابت روحی را هم به دنبال می‌آورد. برعکس، گریز و دوری از چنین مراکز و مکانهایی، روح را هم بیگانه و ناآشنا و گریزان می‌سازد. گاهی که نگاه به حرم و مزار بیفتد، چشمه محبت می‌جوشد، پس، از تاثیر «تلاقی نگاه و حرم» هم نباید غافل بود .

زیارت، همراه است با سلام دادن به اولیاءالله. اگر زائر بداند که پیامبر یا امام یا هر يك از اهل بیت مدفون در حرم، زائر را می‌بینند و می‌شناسند و سلامشان را جواب می‌دهند، محبت پیدا می‌کند. مهم، تفهیم این نکات ظریف به کودکان و نوجوانان است .

حضور در جمع افراد بی‌حال و بی‌تعهد و هرزه، روح انسان را به آن سمت سوق می‌دهد. برعکس، حضور در جمع انسانهای با معنویت و مراکز مقدس و مراسم آیینی، تقویت‌کننده بنیان معنویت است .

اگر بعضی گریزانند، شاید به دلیل خجالت، یا احساس بیگانگی یا به‌خاطر نجسیدن طعم محبت اهل بیت است. چه بسا اگر بچشند، مشتاق شوند. مثل آنان که از غذایی نمی‌خورند، چون تا به حال نخورده‌اند. همین‌که يك لقمه بخورند و مزه آن را بفهمند، ادامه خواهند داد .

ایجاد فضای روحی برای کودکان در رابطه با اهل بیت به این معنی است. تاثیرپذیری از «جو» بسیار نیرومند است. چه جوی که در يك خانه و مدرسه به وجود می‌آید، چه در سطح يك کشور و جامعه. چه مانعی دارد که «توفیق اجباری» برای آنان فراهم کنیم تا «جذب اختیاری» را در پی داشته باشد؟

گاهی اگر نگاه به يك بقعه و حرم یا مسجد بیفتد، کشش ایجاد می‌کند. آیا نمی‌توان وقف درختهای میوه و توت را برای عموم، در کنار مسجدها و حسینیه‌ها و بهر‌مندی رایگان مردم از آنها را دارای این تاثیر دانست؟ یا اینکه در قدیم، حیاط برخی مساجد دو در داشت که بعنوان «راه عبور» مردم استفاده می‌شد، در همین عبور و تلاقی نگاه گاهی دلها جذب فضای روحانی و معنوی مسجد می‌شد .

حتی ایفای نقش در يك نمایشنامه یا فیلم در قالب يك چهره مقدس و در نقش اهل بیت یا وابستگان به این خاندان، خود به خود محبت‌می‌آفریند و بازیگر و هنرمند، به آن چهره‌ها علاقه پیدا می‌کند. این نیز نوعی ایجاد فضای روحی و معنوی نسبت به اهل بیت است. (126) .

## 16- معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر

این نوعی کار فرهنگی است که با شناختن و شناساندن کتابهای خوب، جذاب و سازنده در مورد اهل بیت علیهم السلام، از علاقه به مطالعه بچه‌ها استفاده کنیم. کتابی که به مسابقه می‌گذاریم یا برای تلخیص پیشنهاد می‌کنیم یا موضوعی که برای مقاله‌نویسی و شعر و قصه، حتی عکس و نقاشی می‌دهیم، اگر سوژه‌های اهل‌بیتی داشته باشد مفید است. با کشاندن روزنامه دیواری و فعالیتهای فرهنگی تبلیغاتی دانش‌آموزان به این سمت و سوی، یا درخواست‌خاطرهنویسی از موضوعاتی چون زیارت، عاشورا، نیمه‌شعبان، شب قدر، مجالس سوگواری و امثال اینها می‌توان به تقویت این حس و علاقه کمک کرد . (127) .

شناسایی اینگونه کتابهای موفق و جذاب و معرفی شوق‌آفرین آنها، هم‌ذوق می‌خواهد، هم تخصص. موضوع و سوژه دادن نیز در برنامه‌های «فوق برنامه» همین‌طور است .

## 17- قصه‌های دلدادگان

به جز داستانهایی از زندگی اهل بیت که در جای خود، تاثیر عاطفی و محبت‌آور دارد، (128) نقل قصه‌ها و سرگذشت‌های کسانی که شیفته این خاندان بوده و هستند و این محبت در زندگی، فداکاری، ایثار، خدمات و حالات خاص و زیارتها و توسل‌های آنان مشهود بوده، برای جذب به این خاندان و ایجاد محبت، مفید است . داستان شیفتگی ابوذر به پیامبر خدا، عشق اویس قرنی به آن حضرت، محبت‌های عمیق یاران و اصحاب حضرت علی علیه السلام به آن حضرت، نمونه‌هایی از دل‌باختگی یاران سید الشهداء، کسانی که در راه زیارت ائمه چهره حال حیاتشان یا پس از وفاتشان و نسبت به زیارت مرقد‌های ائمه، عشق و اخلاص و رنجها و تلاشها داشته‌اند، آنان که با همه سختگیریهای بنی‌امیه و بنی‌عباس نسبت به موالیان اهل بیت، همچنان به محبت آنان وفادار می‌ماندند، آنان که برای زیارت کربلا از همه چیز می‌گذشتند، شیفتگان دیدار حضرت مهدی علیه السلام و ره‌یافتگان به وصال آن محبوب و شوق و دل‌دادگیهای منتظران، آنچه در ایام دفاع مقدس در حالات و روحیات و جانفشانیهای رزمندگان و شهدا جلوه می‌کرد و به خاطر کربلا و به شوق زیارت و به عشق عنایات حضرت مهدی و حضرت زهرا در جبهه‌ها حماسه می‌آفریدند و فدای این عشق مقدس می‌شدند، آنان که به خاطر عشق به اهل بیت، عظیم‌ترین خدمات و کارهای خیر و خرجها و احسانها را داشته‌اند، داستان حواریون و یاران ویژه هر يك از ائمه، و... بسیاری از اینگونه سرگذشتها و حکایات، اثر شگفت دارد، بخصوص برای کودکان و نوجوانان که گرایش شدید به قصه دارند و از داستانهایی «الگو» می‌گیرند و نسبت به «قهرمان» های قصه‌ها دل‌بستگی و علاقه پیدامی‌کنند .

البته زبان گفتاری و نوشتاری اینگونه داستانها هر چه شیرین‌تر و شیواتر و هنرمندانه‌تر باشد، میزان تأثیر بیشتر است.

#### 18- تشکلهای هیئتی

برنامه‌های خودجوش نوجوانان که کار گروهی انجام می‌دهند، مثل فعالیت‌هایی که در نیمه شعبان و برگزاری جشن دارند، یا تشکیل هیئت در محله و راه انداختن دسته عزاداری یا آراستن مسجد و حسینیه و تکیه و برنامه‌های ایستگاههای صلواتی آب و شربت و اطعام و احسان و... همه‌گره زنده قلب نوجوانان با تشکیلات اهل بیت علیهم السلام است. بچه‌ها زمینه‌های روحی دارند. اینها را باید به کار گرفت و در محله‌های مختلف از خود آنان «هیئت» درست کرد تا خودشان مسؤلیت آن را به عهده بگیرند تا فعال‌تر شوند. ایام محرم یکی از مناسبترین فرصتهای ایجاد اینگونه تشکلهای هیئتی و گروه‌بندی‌های مذهبی از دانش‌آموزان بخصوص در مقطع راهنمایی و اوایل دبیرستان است. اینگونه تشکلهای مقدس، عضویت در شبکه گسترده ولایت و محبت اهل بیت و امام حسین علیه السلام، بامحوریت آن خاندان پاک است و کمتر مسائل بانندی و گروهی و جناحی دارد و جاذبه‌اش فراگیرتر است.

در عاشورا و نیمه شعبان، به خاطر شور عمومی مردم، بچه‌ها جذب اینگونه مراسم می‌شوند. برای استفاده از این حس خودجوش بچه‌ها و جهت دادن آن برای ایام دیگر باید سرمایه‌گذاری و وقت‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد. وقتی بچه‌ها برای خودشان در ارتباط با ائمه علیهم السلام، صاحب علم و پرچم و دسته و هیئت می‌شوند، احساس تشخص می‌کنند. این احساس تشخص، در آنان ایجاد مسؤلیت و تعهد می‌کند و آنان را با اهل بیت، مرتبط می‌سازد، چون حس می‌کنند که در این رابطه‌ها، شخصیت و هویت مستقلی یافته و مورد توجه قرار گرفته و به حساب آمده‌اند.

پرچم و علم و کتیبه و هیئت، نشانه تشخص یک گروه است و تأثیر وحدت‌بخشی و انسجام‌آفرینی و ایجاد علقه و پیوند دارد. به تعبیر شهید پاک‌نژاد:

«با نیم‌متر چوب و نیم متر پارچه سیاه، می‌توان موجی از احساسات بی‌دریغ درباره بزرگسالار شهیدان مشاهده کرد که در هیچ جا نمونه‌ای از آن دیده نمی‌شود؛ در حالی که برای تشکیل اجتماع حتی کوچکی باید متحمل زحمات زیادی گردید.» (129).

دسته‌های عزاداری و هیئت‌های سنتی، علاوه بر نقش حفظ فرهنگ عاشورا و اهل بیت، به نحوی تمرین تشکل و سازماندهی بر محور امام حسین علیه السلام با محتوایی مقدس و آدابی خالصانه و عاشقانه است.

چند نکته تکمیلی:

با همه اهمیتی که برای محبت و دوستی با خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله قائلیم، اگر این ایجاد علاقه، به صورت درست و دقیق و آموزشهای صحیح همراه نباشد، چه بسا نوعی غرور، غفلت و افراط پیش آید و نتیجه معکوس دهد. از این رو توجه به چند نکته در این مورد، ضروری است، تا این محبت مقدس اثربخش تر باشد و از آفات مصون بماند .

### ۱. پیوند محبت با عمل

در محبت اهل بیت علیهم السلام و ایجاد آن در دل بچه ها، باید از یکسو نگری، هم پرهیز داشت و هم پرهیزشان داد. آمیختن «محبت» به «عمل»، کار اصلی ماست تا صرف محبت و عشق به اهل بیت علیهم السلام (منهای عمل و تقوا و تبعیت) غرور برای محبان نیاورد. اگر جز این باشد، یا محبت، راستین نیست یا آمیخته به عوامل خنثی کننده تاثیر عشق و علاقه است .

محبت، در صورت ناب و عمیق بودنش، دوست و دوستدار را هم رنگ و همراه می سازد. محبت چه به خدا باشد، یا پیامبر، یا امامان یا هر شخص دیگر، اگر واقعی باشد، انسان را از مخالفت و ناراضی ساختن محبوب و کاربرخلاف خواسته و میل و رضای او باز می دارد. اگر در عین ادعای عشق و دوستی، کاری کنیم که دوست را برنجاند، عاشق و دوستدار نیستیم، بلکه یک مدعی هستیم که دلیلی بر اثبات ادعا نداریم .

امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به مفضل، ضمن دسته بندی شیعیان نسبت به محبت اهل بیت و اینکه انگیزه های رابطه دوستی با اهل بیت نزد اشخاص، مختلف است، از گروهی نام می برد که دوستداران واقعی اند :

...«وفرقة احبونا و حفظوا قولنا و اطاعوا امرنا ولم يخالفوا فعلنا، فاولئك منا و نحن منهم». (130) .

گروهی ما را دوست دارند، سخن ما را حفظ می کنند، فرمان ما را پیروی می کنند و با کار ما مخالفت نمی کنند. اینان از ما آیند و ما از آنانیم .

امام صادق علیه السلام درباره ادعای محبت خدا فرموده است :

تعصى الاله وانت تظهر حبه هذا محال فى الفعال بدیع

لو كان حبك صادقا لاطعته ان المحب لمن يحب مطيع (131) )

خدا را نافرمانی می کنی در حالی که اظهار محبت او را می کنی، این محال است و در میان کارها پدیده تازه ای است .

اگر عشق تو راست باشد او را اطاعت می کنی، چرا که عاشق، نسبت به محبوب خود، فرمانبردار است . اظهار دوستی با خدا باید همراه با تبعیت و اطاعت باشد نه معصیت، چون حب صادقانه به اطاعت محبانه

منجر می‌شود. ادعای دوستی با اهل بیت علیهم السلام ولی اهل گناه و آلودگی بودن نوعی تناقض است. باید تفهیم کرد که هر چند که دین ما، دین حب و محبت است ولی محبتی صادقانه است که به همرنگی و هماهنگی کشیده شود. همچنان که دو نفر وقتی به هم محبت دارند، به خاطر همین محبت می‌کوشند مثل هم باشند و از رنجاندن و مخالفت دیگری پرهیز کنند تا رشته محبت و دوستی گسسته نشود.

حدیثی از امام رضا علیه السلام گویای همین نکته است که نباید به اتکای دوستی اهل بیت علیهم السلام، «عمل صالح» را رها کرد و گفت که علی علیه السلام داریم چه غم داریم و امثال اینها:

«لاتدعوا العمل الصالح والاجتهاد فی العبادۃ اتکالا علی حب آل محمد و لاتدعوا حب آل محمد والتسلیم لامرهم اتکالا علی العبادۃ، فانه لایقبل احدهما دون الاخر». (132).

نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به اتکای محبت اهل بیت علیهم السلام رها کنید و نه محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام و تسلیم آنان بودن را به اتکای عبادت، چرا که هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نیست.

آری... آمیختن «محبت اهل بیت علیهم السلام»، به «عمل صالح و بندگی». (133).

عشق به اهل بیت، باید همراه با عشق به نیکان و نیکی‌ها و کارهای شایسته و بندگان صالح باشد. این نشانه صدق محبت است. امام سجاد علیه السلام در مناجات محبین از خداوند، محبت خدا را، محبت دوستداران خدا

را و محبت هر عملی را که بنده را به قرب خدا می‌رساند، درخواست می‌کند. (134).

علی علیه السلام فرمود:

«من احبنا فلیعمل بعملنا ولیتجلبب الورع». (135).

هر که ما را دوست‌بدارد، باید مثل ما عمل کند و پرهیزکاری را همچون جامه و پوشش (جلباب) خود قرار دهد.

دوستداری و شیعه‌گری، جز با متابعت عملی و پیروی به اثبات نمی‌رسد و شیعه یعنی پیرو. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است:

«ان شیعتنا من شیعتنا و تبعنا فی اعمالنا» (136).

یقینا پیروان ما کسانی‌اند که در کارهایمان از ما متابعت و پیروی می‌کنند.

از امام زمان «عج» هم روایت است:

«فلیعمل کل امرء منکم ما یقرب به من محبتنا ولیتجنب ما یدنیه من کراهتنا و سخطنا...» (137).

هر کدام از شما کاری کند که او را به محبت ما نزدیک و از ناخوشایندی و خشم ما دور سازد.

پس نوع عمل است که ما را به اهل بیت علیهم السلام نزدیک یا دور می‌سازد و محبوب یا منفور آنان می‌شویم. محبت هم در دل است، هم بر زبان جاری می‌شود، هم در عمل انسان بروز می‌کند. این که در

حدیث است پیامبر به علی علیه السلام فرمود: «برخی تو را تنها در دل دوست دارند، بعضی دوستدار

قلبی و زبانی تو‌اند، برخی هم با دل دوست می‌دارند، با زبان کم‌کم می‌کنند و باشمشیرشان به یاری تو

می‌شتابند، پاداش آنان برابر با پاداش این امت است (138) «گویای این است که محبت، جنبه عملی هم دارد و همان ملائک صدق در محبت است. تاکید ائمه معصومین بر اینکه شیعه، با عمل شایسته خود، موجب زینت و آراستگی آنان باشند، نه مایه شرمندگی و عیب و عار، اشاره به همین بعد عملی محبت و موالات با خاندان عصمت است. امام صادق علیه السلام فرمود :

«معاشر الشیعه! کونوا لنا زینا ولا تکنوا علینا شیئا». (139) .

ای گروه شیعه! برای ما زینت باشید، نه موجب ننگ و عیب .

آنچه که جاذبه می‌آفریند، عمل و رفتار شیعه است .

## 2. نشانه‌های محبت

گاهی امر، بر خود انسان هم مشتبه می‌شود و خود را شیعه یا محب اهل بیت می‌پندارد، در حالی که شعار و ادعایی بیش نیست. برای شناخت «محبت اهل بیت»، باید سراغ نشانه‌های آن رفت. نشانه‌های عشق راستین نسبت به اهل بیت، اینهاست :

- 1 عمل و تقوا .

در نکته پیشین، به تفصیل در این باره بحث شد .

- 2 عشق به دوستان اهل بیت علیهم السلام .

اگر شیفته اهل بیتیم، باید دوستان آنان را هم دوست‌داریم. محبت‌های طولی و سلسله‌ای، نشانه محبت به محبوب است. اگر کسی را دوست می‌داریم، بطور طبیعی باید از کارها و اشخاصی که مورد محبت اوست نیز خوشمان آید. می‌توان این عشق طولی را چنین ترسیم کرد :

محبت به خدا محبت به رسول خدا محبت به اهل بیت محبت به شیعیان اهل بیت .

امام علی علیه السلام فرموده است :

«من احب الله احب النبی، ومن احب النبی احبنا، و من احبنا احب شیعتنا». (140) .

هرکس خدا را دوست‌دارد، پیامبر را هم دوست می‌دارد. کسی که دوست‌دار پیامبر باشد ما (اهل بیت) را هم دوست دارد و هر که ما را دوست‌دارد، پیروان ما را هم دوست خواهد داشت .

امام علی علیه السلام فرمود: هرکس خوش دارد که بداند آیا دوستدار ماست یا دشمن ما، قلب و دل خود را بیازماید (و به دل خود رجوع کند) اگر دوست ما را دوست‌دارد، پس دشمن ما نیست و اگر دوست ما را دشمن‌دارد، پس دوستدار ما نیست :

«من سره ان یعلم احب لنا ام مبغض فلیمتحن قلبه، فان کان یحب ولینا فلیس بمبغض لنا و ان کان یبغض ولینا فلیس بمحب لنا...» (141) .



به فرموده امام صادق علیه السلام: «من تولى محبنا فقد احبنا». (142) هر که با دوست ما دوستی کند، ما را هم دوست داشته است .

- 3 بیزاری از دشمنان .

دوستدار اهل بیت، نمی تواند با دشمنان آنان دوستی داشته باشد. در يك دل دو محبت در عرض هم نمی گنجد. با محبت اهل بیت نیز، محبت دشمنانشان سازگار نیست. بحث مهم تولى و تبرى در همین جام طرح می شود. شیعه و موالی اهل بیت، بی خط و بی موضع نیست و با مخالفان اهل بیت، مودت و طرح دوستی نمی ریزد . کفر به طاغوت نیز در کنار ایمان به خدا بلکه جلوتر از آن مطرح است .

کفر و ایمان قرین یکدیگرند هر که را کفر نیست، ایمان نیست

امام باقر علیه السلام، در ذیل آیه ای که می فرماید: خداوند برای هیچ کس دودل در سینه اش قرار نداده است (143) از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود :

«لا یجتمع حبنا و حب عدونا فی جوف انسان...» (144) .

محبت ما و محبت دشمنان ما در دل يك انسان جمع نمی شود، چون خداوند برای انسان دو قلب قرار نداده که با یکی این را دوست بدارد بایکی آن را دشمن بدارد. دوستدار ما باید محبت خود را برای ما خالص سازد، همچنان که طلا در دل آتش خالص و بی آرایش می شود. پس هر که می خواهد محبت ما را بشناسد دل خود را امتحان کند، اگر در دل او در کنار محبت ما محبت دشمن ما هم باشد، از ما نیست، ما هم از او نیستیم .

در حدیث دیگر، امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت: فلانی ولایت شما را دارد ولی نسبت به برائت از دشمنانتان سست است، فرمود :

«هیئات! کذب من ادعی محبتنا ولم یتبرء من عدونا». (145) .

آنکه مدعی ولایت و محبت ماست، ولی از دشمن ما بیزاری نمی جوید، دروغ می گوید .

- 4 آمادگی برای بلا و رنج .

اینکه دوستداران اهل بیت علیهم السلام باید آماده رنجهای و سختیها باشند، نشان دیگری از این است که محبت و ولایت، بدون آمادگی برای تحمل سختی لوازم آن، پذیرفته نیست. به فرموده امام علی علیه السلام :

«من احبنا اهل البیت فلیستعد عدة للبلاء». (146) .

هر کس ما اهل بیت را دوست می دارد، پس وسایل و مقدمات تحمل بلا و سختی را آماده سازد .

راه عشق و محبت، راه دشوار و پرخطر و بلاخیز است و عاشق صادق هرگز از این رنجهای نمی گریزد، بلکه به استقبال آن می شتابد و رنج در راه معشوق برایش لذت بخش است. به گفته حافظ :

ناز پرود تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

باز به گفته خواجه شیراز :

بحری است بحر عشق که هیچش کناره نیست آنجا جز آنکه جان بسپارند، چاره نیست نیز، خون دل خوردن و تحمل کردن، نشان دیگری از عشق است .  
جام می و خون دل هر يك به کسی دادند در دایره قسمت، اوضاع چنین باشد همواره «ولا» با «بلا» و عشق با سختی همراه بوده است: «البلاء للولاء .»  
هر که در این بزم مقربتر است جام بلا بیشترش می دهند

3. پرهیز از غلو.

یکی از آفات راه محبت، غلو و زیاده روی در عقیده و اظهار دوستی نسبت به اهل بیت علیهم السلام است. خود ائمه هم در زمان خود با پدیده غلو مواجه بودند و با کسانی که نسبت به آنان عقیده خدایی داشتند بشدت برخورد می کردند و از آنان برائت می جستند. در این زمینه هم حدیث زیاد است، از جمله امام صادق علیه السلام فرمود :

«احذروا علی شباکم الغلاة لا یفسدونهم، فان الغلاة شر خلق الله، یصغرون عظمة الله و یدعون الربوبية لعباد الله». (147) .

جوانان خود را از غلات برحذر دارید که فاسدشان نکنند، غلات بدترین خلق خدایند، عظمت خدا را کوچک می شمارند و برای بندگان خدا مقام ربوبیت ادعا می کنند .

افراط در ستایش و رساندن پیامبر و ائمه به مقام الوهیت و خدایی «غلو» است . محبت نباید سر از غلو درآورد که به هلاکت می انجامد. علی علیه السلام فرمود :

«هلك فی رجلاں: محب غال و مبغض قال» (148) .

درباره من دو گروه به هلاکت افتادند: دوستدار غلوکننده و دشمن کینه توز .

پیامبر و امامان، پیش از آنکه نبی و امام باشند، «عبد» بودند که پروردگار داشتند. فرموده اند که ما را از حد ربوبیت پایین بیاورید آنگاه هر چه می خواهید بگویید. امام علی علیه السلام فرموده است :

«ایاکم والغلو فینا، قولوا: انا عبید مربوبون و قولوا فی فضلنا ما شئتم». (149) .

از غلو درباره ما بپرهیزید، بگویید که ما بندگان هستیم تحت اراده رب، و هر چه خواستید در فضیلت ما بگویید .

پدیده غلو در تاریخ اسلام، موجب گمراهی عده ای شده است. این غلو، بویژه نسبت به حضرت علی علیه السلام بیشتر بروز کرده است. آن حضرت در اشاره به این گمراهی و انحراف فکری می فرماید :

«مثلی فی هذه الامة مثل عیسی بن مریم، احبه قوم فغالوا فی حبه فهلکوا و ابغضه قوم فهلکوا...» (150) .  
مثل من در این امت، همچون عیسی بن مریم است، گروهی او را دوست داشتند و در محبت، غلو و افراط

کردند و به هلاک افتادند، گروهی هم‌دشمنش شدند و هلاک گشتند .

حب افراطی همیشه دورکننده از حق است. علی‌علیه السلام در سخنی خطاب به خوارج نهروان فرمود :  
در مورد من دو گروه به هلاکت خواهند افتاد: یکی دوستانان افراطی که «حب» آنان را به راه ناحق  
می‌کشاند، یکی هم دشمنان افراطی. (151) .

حب افراطی و نسبت دادن مقام و شان الوهیت برای ائمه، نوعی بدعت و شرک بود که به وسیله دوستان  
نادان یا دشمنان عنود، در تاریخ اسلام پدید آمد و برای شیعه و ائمه در دسرهایی داشت و هنوز هم برخی  
از آن اعتقادات و گرایشها، دستاویز دشمنان برای حمله به تشیع می‌گردد. دشمنان اهل بیت، خود از  
کمک‌کاران نشر اینگونه افکار و آثار بوده هستند، چون از این رهگذر، می‌توانند چهره شیعه را وارونه  
نشان دهند. (152) .

البته خطر دیگری از سوی دیگر است. در برخی مناطق و محافل هم‌به بهانه خوف از خطر غلو، نقل  
فضایل و مناقب اهل بیت را که در روایات قطعی آمده است ترك می‌کنند و هر فضیلتی را که کمی با عقل  
بشر جور نیاید، به نام غلو، رد می‌کنند که این هم درست نیست و خواسته دشمن است .  
مخالفان شیعه، ما را به غلو نسبت می‌دهند .

ما ضمن آنکه باید از غلو بپرهیزیم و گرفتار انحراف در عقیده نشویم، پاسخی هم برای رد اتهامات آنان  
داشته باشیم و مرزی میان «غلو» و «بیان فضایل» بشناسیم تا بتوانیم شبهات آنان را دفع کنیم .  
به هر حال، باید سطح فکر و ظرفیت نوجوانان و کودکان را در نظر گرفت و احادیث و فضایل قابل درک  
و هضم برایشان گفت .

صرف اینکه سخنی در احادیث آمده است، مجوز نقل آن برای عموم نیست. گاهی عدم تناسب مطلب با  
کشش فکری شنوندگان یا خوانندگان، آنان را مسالهدار می‌کند و منکر اصل دین و عقاید می‌شوند .

بک میدان و دو هجوم

از آنجا که ایجاد محبت اهل بیت، کاری فرهنگی و احداث خاکریز دفاعی در برابر «شبیخون فرهنگی»  
است، این نوشته که مقایسه‌ای میان هجوم نظامی و تهاجم فرهنگی است، برای تکمیل این بحث، آورده  
می‌شود. (153) .

نه «مرز»، تنها آبی و خاکی است، نه حمله، تنها زمینی و هوایی !

نه هجوم، فقط نظامی است، نه شکست و ضربه، فقط مادی .

«تهاجم فرهنگی»، خطرناکتر از «هجوم نظامی» است .

در هجوم نظامی، طمع به خاک است و زمین، در شبیخون فرهنگی طمع به اخلاق است و دین !

هجوم نظامی با سر و صدا و سرعت است، تهاجم فرهنگی، آهسته و آرام .  
آن ترسناک و نفرت آفرین است، این فریبنده و جذاب، .  
آن، افراد را به دفاع و مقاومت وا می‌دارد، این به استقبال و پذیرش می‌فرستد .  
کشته آن، «شهید» است و مرده این، پلید !  
شهادت، دوست داشتنی است، اما ابتذال، نفرت انگیز .  
در هجوم نظامی، دشمن اعلام جنگ و دشمنی می‌کند و مهاجم فرهنگی، اعلام دوستی ...!  
در حمله نظامی، صفیر اولین گلوله، همه را متوجه خطر می‌سازد، اما در تهاجم فرهنگی گاهی تا شلیک  
گلوله آخر دشمن، هنوز عده‌ای شبیخون را باور نمی‌کنند .  
آن پیداست، این پنهان !  
در آنجا، زمین از دست می‌رود، اینجا شرف و دین .  
آنجا، درگیری با دشمن، در مرزهاست، اینجا آسیب از حمله دشمن، درون خانه‌هاست .  
آنجا، بمبهای خوشه‌ای می‌ریزند، اینجا شك و دودلی می‌انگیزند .  
آنجا سلاح، موشک و بمب است، اینجا ماهواره و امواج تصویری .  
در میدان حمله نظامی، پادگانها، مقرها و خطوط و خاکریزها بمباران می‌شود، در تهاجم فرهنگی مدرسه‌ها  
مطبوعات، اندیشه‌ها و عقیده‌ها .  
در آن درگیری، کوه و دشت و دریا میدان برخورد است، در این مقابله، نبرد در عرصه مجلات، رمانها،  
فیلمها و کتابهاست .  
آنجا میدان مبارزه محدود است، اینجا گسترده، .  
آنجا جنگی آشکار است، اینجا غارتی پنهان، .  
اسیران آن میدان، «آزاده» اند، و گرفتاران این میدان، «معتاد» و «آلوده» .  
آنجا، شهادت، خانواده‌ای را سربلند می‌سازد، اینجا اعتیاد و ابتذال، دودمانی را شرمگین می‌سازد .  
پدر يك شهید، عزیز است، پدر يك آلوده، سرافکنده !  
در میدان نظامی، مجروح را به عقب بر می‌گردانند تا مداوا شود، در صحنه فرهنگی، پس از اولین زخم و  
ترکش، به خطوط جلوتر انتقال می‌یابد .  
تیر و ترکش، بر سر و دست می‌نشیند، ولی زهر هوس و ویروس گناه، برایمان و اندیشه آسیب می‌رساند .  
در هجوم نظامی، دشمن از مرز آبی و خاکی وارد می‌شود، در تهاجم فرهنگی، از مرز فکری و روحی .  
آسیب خورده آن، انگیزه مبارزه و خصومت پیدا می‌کند و نیش خورده این، خلع سلاح و بی‌انگیزه می‌شود .  
تشییع جنازه يك شهید، شهری را روح حماسه می‌بخشد، اما آلودگی نسلی به ابتذال، روح جامعه را افسرده

می‌سازد .

هجوم نظامی، يك ملت را مقاومتر می‌کند، و هجوم فرهنگی، سست‌تر می‌سازد .  
آنجا فشنگ، شلیک می‌شود، اینجا آهنگ، پخش می‌شود .  
آنجا در پی «ماه» اند، اینجا دنبال «ماهواره» .  
گذرگاههای آن جبهه، سربالایی است، و عرصه‌های این میدان، سرازیری .  
آنجا از خود می‌گذرند تا به خدا برسند، اینجا از خدا می‌گذرند تا به خود برسند .  
قربانیان آن، شهید راه «معروف» اند، و قربانیان این، کشته بیراهه «منکر» !  
بکوشیم تا از مجروحان این جبهه و ترکش‌خوردگان این حمله نباشیم .  
اگر هم آسیب دیده‌ایم، به درمانگاه «توبه» برویم و ... تا دیر نشده، غده‌گناه را «جراحی» کنیم .  
آیا سلامت روح و فکر، به اندازه «جسم» مهم نیست؟! !

فهرست اهم منابع:

-قرآن کریم .

-بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت .

-كشف الغمه، اربلی، دارالکتب الاسلامی، بیروت .

-الغدیر، علامه امینی، دارالکتب العربی، بیروت .

-احقاق الحق، قاضی نورالله تستری، الاسلامیه، تهران .

-بشارة المصطفی، طبری، مطبعة الحیدریه، نجف .

-ینابیع المودة، قندوزی، مکتبة الحیدریه، نجف .

-میزان الحکمة، محمدی ری‌شهری، دفتر تبلیغات اسلامی قم .

-الاحتجاج، طبرسی، دارالاسوه، تهران .

-اهل البيت فی الکتاب والسنة، محمدی ری‌شهری، دارالحدیث، قم .

-غرر الحکم، آمدی، دانشگاه تهران .

-ثواب الاعمال، شیخ صدوق، مکتبة الصدوق، تهران .

-الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران .

-امالی، شیخ طوسی، مؤسسه البعثه، قم .

-من لایحضره الفقیه، صدوق، جامعه مدرسین، قم .

-صحیفه سجادیه، امام زین العابدین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران .

- وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت .  
-سفینة البحار، محدث قمی، انتشارات اسوه، تهران .  
-مفاتیح الجنان، محدث قمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران .  
-مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسة آل البيت، قم .  
-العوالم، بحرانی، مؤسسة الامام المهدي، قم .  
-تحف العقول، ابن شعبه حرانی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم .  
-نهج البلاغه، سيد رضی، صبحی صالح، بیروت .

پاورقی ها:

- (1) کلیات سعدی، چاپ امیرکبیر، ص 715 .  
(2) امام صادق علیه السلام: «الحب افضل من الخوف» (بحار الانوار، ج 75، ص 226).  
(3) شوری، آیه 23 .  
(4) پیامبر اسلام: لو ان عبدا جاء يوم القيامة بعمل سبعين نبيا ما قبل الله ذلك منه حتى يلقاه بولايته و ولاية اهل بيته. (كشف الغمه، ج 2، ص 10).  
(5) بیاتی از مثنوی «اهل بیت آفتاب» از نویسنده .  
(6) الغدير، ج 2، ص 303 .  
(7) احقاق الحق، ج 18، ص 498 .  
(8) بحار الانوار، ج 75، ص 348 .  
(9) بشارة المصطفى، ص 222 .  
(10) ينابيع المودة، ج 1، ص 78 .  
(11) بحار الانوار، ج 67، ص 22 .  
(12) همان، ج 16، ص 190 .  
(13) ميزان الحكمة، ج 2، ص 215 .  
(14) بحار الانوار، ج 66، ص 238 .  
(15) به احاديث حب و بغض در راه خدا مراجعه كنيد (بحار الانوار، ج 66، ص 236 تا 253).  
(16) از جمله رك: بحار الانوار، ج 27، ص 51 تا 254 .  
(17) بحار الانوار، ج 22، ص 315 .  
(18) غرر الحكم، حديث 6169 .

- (19) اهل البيت في الكتاب والسنة، ص 369 .
- (20) غرر الحكم .
- (21) احتجاج طبرسی، ج 1، ص 198 .
- (22) همان، ص 197 .
- (23) احقاق الحق، ج 5، ص 42 .
- (24) ثواب الاعمال، ص 124 .
- (25) احقاق الحق، ج 18، ص 310 .
- (26) امالی طوسی، ص 229 .
- (27) الکافی، ج 2، ص 496 .
- (28) ثواب الاعمال، ص 223 .
- (29) من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 577 .
- (30) درباره روایات مربوط به زیارت، از جمله ر.ک: «بحار الانوار»، ج 97 تا 99، «من لا یحضره الفقیه»، ج 2، «کامل الزیارات»، «عیون اخبار الرضا» .
- (31) وسائل الشیعه»، ج 10، «میزان الحکمه»، ج 4 و نیز «چهل حدیث زیارت»، نشر معروف، از نویسندہ .
- (32) بحار الانوار، ج 71، ص 355 .
- (33) بحار الانوار، ج 101، ص 98 .
- (34) صحیفه سجادیه، دعای 25 .
- (35) بخشهایی از مقاله «حسینیہ دل»، از نویسندہ .
- (36) وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، بحار الانوار، ج 98، ص 118 .
- (37) بحار الانوار، ج 97، ص 230 .
- (38) بحار الانوار، ج 97، ص 228 - 230 .
- (39) همان .
- (40) همان، ج 63، ص 448 .
- (41) همان، ج 101، ص 114 .
- (42) وسائل الشیعه، ج 10، ص 410، بحار الانوار، ج 98، ص 124 و 136 .
- (43) بحار الانوار، ج 98، ص 123 .
- (44) همان، ص 121 .
- (45) از جمله در برنامه‌های جنبی «شب شعر عاشورا» که همه ساله در شیراز برگزار می‌شود،

- مراسم «تربت نوشانی» به افراد جلسه است، شربت زعفران آمیخته به تربت را در کام همه حضار به مقدار يك قاشق یا نیم استکان می‌ریزند، این برنامه، نقش عجیبی در ایجاد عشق و علاقه به امام حسین علیه السلام و تغییر حالت روحی افراد دارد .
- (46 سفینه البحار (چاپ جدید)، ج 2، ص 17 .
- (47 مائده: 119، توبه: 100، مجادله: 22، بینه: 8 .
- (48 مائده: 54 .
- (49 مفاتیح الجنان، ص 350 (زیارت امیرالمؤمنین، زیارت امین الله .)
- (50 مناقب ابن شهر آشوب، ج 1، ص 85 .
- (51 رجال کشی، ج 2، ص 473 و 381 .
- (52 همان، ص 685 .
- (53 تفسیر عیاشی، ج 2، ص 231 .
- (54 همان .
- (55 بحار الانوار، ج 26، ص 124 .
- (56 همان، ص 146 .
- (57 همان، ج 23، ص 313 .
- (58 مریم، آیه 58 .
- (59 بحار الانوار، ج 26، ص 224 .
- (60 غاشیة، آیه 26 .
- (61 بحار الانوار، ج 7، ص 203 .
- (62 همان، ج 8، ص 41 .
- (63 همان .
- (64 همان، ج 2، ص 206 .
- (65 همان، ج 65، ص 43 .
- (66 همان، ج 9، ص 112 .
- (67 میزان الحکمه، ج 5، ص 233 .
- (68 برای مطالعه متن این احادیث فراوان می‌توانید از «المعجم المفهرس» بحار الانوار، واژه‌شيعه، بهره بگیرید .
- (69 بحار الانوار، ج 23، ص 232 .
- (70 پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «اساس الاسلام حبی و حب اهل بیتی»، (کنز العمال، ج 12،



ص105 .)

- امام باقر عليه السلام: «حبنا اهل البيت نظام الدين»، (امالى شيخ طوسى، ص296 .)
- (71)پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله: «من احبنا فقد احب الله و من ابغضنا فقد ابغض الله»، (امالى صدوق، ص386) ; در زيارت جامعه كبيره نيز مى خوانيم: من احبكم فقد احب الله .
- (72)پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله: «... من احب هولا فهد احبنى و من ابغضهم فقد ابغضنى»، (تاريخ دمشق «ترجمة الامام الحسين»، ص91 .)
- (73)امام باقر عليه السلام: «انى لاعلم ان هذا الحب الذى تحبوننا ليس بشىء صنعتموه ولكن الله صنعه»، (المحاسن، ج1، ص246 .)
- (74)امام صادق عليه السلام: «حبنا اهل البيت افضل عبادة»، (المحاسن، ج1، ص247 .)
- (75)امام صادق عليه السلام: «لا تستصغروا مودتنا، فانها من الباقيات الصالحات»، (مناقب ابن شهر آشوب، ج4، ص215 .)
- (76)بحار الانوار، ج27، ص193 .
- (77)ميزان الحكمه، ج2، ص237 .
- (78)بحار الانوار، ج17، ص13; ميزان الحكمه، ج2، ص242 .
- (79)بحار الانوار، ج37، ص335 .
- (80)همان، ج6، ص187 .
- (81)ابن آثار و عناوين برگرفته از كتاب «اهل البيت فى الكتاب و السنه» محمدى رى شهرى است .
- (82)پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله: «حبنا اهل البيت يكفر الذنوب و يضاعف الحسنات» (ارشاد القلوب، ص253 .)
- (83)امام صادق عليه السلام: «لا يحبنا عبد حتى يطهر الله قلبه» (دعائم الاسلام، ج1، ص73 .)
- (84)امام صادق عليه السلام: «من احبنا اهل البيت و حقق حبنا فى قلبه جرت ينابيع الحكمة على لسانه» (المحاسن، ج1، ص134 .)
- (85)پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله: «حب اهل بيتى و ذريتى استكمال الدين» (امالى صدوق، ص161 .)
- (86)پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله: «شفاعتى لامتى من احب اهل بيتى و هم شيعتى» (تاريخ بغداد، ج2، ص146 .)
- (87)پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله: «اكثركم نورا يوم القيامة اكثركم حبا لآل محمد»، (بشارة المصطفى، ص100 .)
- (88)پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله: «من احبنا اهل البيت حشره الله تعالى امانا يوم القيامة»، (عيون اخبار الرضا، ج2، ص220 .)

- (89) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «اثبتکم قدما علی الصراط اشدکم حبا لاهل بیتی»، (فضائل الشیعه، ص 48).
- (90) امام صادق علیه السلام: «والله لایموت عبد یحب الله و رسوله و یتولی الائمة علیهم السلام فتمسه النار»، (رجال نجاشی، ج 1، ص 138).
- (91) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «من احبنا اهل البیت فی الله حشر معنا و ادخلناه معنا الجنة»، (کفایة الاثر، ص 296).
- (92) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «اعلی درجات الجنة لمن احبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و یده»، (المحاسن، ج 1، ص 251).
- (93) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «من اراد ان ینجو من عذاب القبر فلیحب اهل بیتی... و من اراد دخول الجنة بغير حساب فلیحب اهل بیتی فوالله ما احبهم احد الا ربح الدنیا و الآخرة»، (مقتل الحسین خوارزمی، ج 1، ص 59).
- (94) بحار الانوار، ج 27، ص 78.
- (95) بحار الانوار، ج 16، ص 356.
- (96) همان، ج 23، ص 250 (لا تستصغر مودتنا فانها من الباقیات الصالحات).
- (97) الغدیر، ج 2، ص 295.
- (98) نامش سفیان بن مصعب است. وی از شاعران برجسته شیعه و مورد عنایت اهل بیت بود که عمده شعر او پیرامون مدح و مرثیه اهل بیت است. در زمان امام صادق علیه السلام می زیست. برای آشنایی با چهره او، از جمله ر.ک: ماهنامه کوثر، شماره 24 (اسفند 77) و «سفیان بن مصعب» از: سید هاشم محمد.
- (99) مستدرک وسائل الشیعه، ج 2، ص 625.
- (100) درباره او ر.ک: ماهنامه کوثر، شماره 20 (آبان 77) و «ابوالاسود الدؤلی فی المیزان» از: محمد المنصور.
- (101) بحار الانوار، ج 8، ص 52.
- (102) روزنامه جمهوری اسلامی، 16 اردی بهشت 78.
- (103) الغدیر، ج 2، ص 361.
- (104) بحار الانوار، ج 51، ص 148.
- (105) همان، ص 137 (طوبی لک ان ادركته و یا طوبی من ادركه).
- (106) العوالم، بحرانی، ج 11، ص 136.
- (107) همان، ص 552.
- (108) همان، نقل از تهذیب، ج 8، ص 112.

- (109) در زمینه نامها و تاثیر اینگونه نامگذاریها ر. ك: «جرعه‌ای از كوثر»، علی‌رضا سبحانی‌نسب .
- (110) در این زمینه به «الغدیر» علامه امینی، ج 3، بحث «عید الغدیر فی الاسلام» مراجعه شود، نیز جزوه «عید غدیر در اسلام» از نویسنده، «چهل حدیث غدیر» از: محمود شریفی .
- (111) دیباچه‌ای بر رهبری، ناصرالدین صاحب‌الزمانی، ص 69 .
- (112) همان، ص 218 .
- (113) در زمینه نقش الگو و قهرمان از جمله ر. ك: «الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان» محمد علی‌کریمی‌نیا، «نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت» مصطفی‌عباسی مقدم «جوان» و «كودك»، فلسفی، «انسان کامل»، شهید مطهری، «دیباچه‌ای بر رهبری» ناصرالدین صاحب‌الزمانی .
- (114) تحف العقول، ص 416 .
- (115) ان ذكر الخیر كنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و ماواه و منتهاه (مفاتیح الجنان، ص 549).
- (116) ثلاثة تورث المحبة: الدين والتواضع والبذل (بحار الانوار، ج 75، ص 229).
- (117) بحار الانوار، ج 33، ص 260 .
- (118) بحار الانوار، ج 13، ص 351 و ج 67، ص 22 .
- (119) میزان الحکمه، ج 2، ص 229 (به نقل از بحار الانوار، ج 14، ص 38).
- (120) بحار الانوار، ج 2، ص 31 .
- (121) الكافی، ج 1، ص 193 .
- (122) رحم الله امرءا اجتر مودة الناس الینا، فحدثهم بما یعرفون و ترك ما ینكرون (بحار الانوار، ج 2، ص 68).
- (123) برای آشنایی با سیره پیامبر از جمله ر. ك: «بحار الانوار»، ج 16؛ «مکارم الاخلاق»، طبرسی؛ «سنن النبی»، علامه طباطبایی، «همگام با رسول»، از نویسنده؛ نسبت به ائمه دیگر از جمله «منتهی الامال»، محدث قمی و کتابهای دیگری که در زندگی ائمه نوشته شده است. دورچه‌چهل حدیث‌های سیره معصومین از انتشارات «نشر معروف» نیز توصیه می‌شود .
- (124) بحار الانوار، ج 74، ص 166 .
- (125) صائب تبریزی .
- (126) کتاب «بانوی نور» مریم بصیری، داستان تاثیرپذیری يك هنرمند را از ایفای نقش مادر امام‌زمان‌علیه السلام نوشته است. از اهل هنر نمونه‌های متعددی از این تاثیرپذیری شنیده شده است .
- (127) در این زمینه خاطرات «زیارت» که کانون پرورش فکری، از خاطرات بچه‌ها از زیارت مشهدهمقدس چاپ کرده است، نمونه موفق است. شبیه آن کتاب «سحرخیزان تنها» در مورد روزه ماه رمضان است. خاطراتی که بچه‌ها از امام امت یا شهیدان نوشته‌اند، یا نامه‌های آنان خطاب به حضرت

امام، همین تاثیر را داشته است .

- (128) در این زمینه‌ها از جمله: «حکایتها و هدایتها» فصل اول، محمد جواد صاحبی، «قصه‌های نماز»، «غنچه‌های نور» و «قصه‌هایی از زندگی معصومین»، جواد نعیمی، «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» جلد 8، مهدی آذریزدی، «تا دریا» محمد سادات اخوی و... برای جوانان و نوجوانان مفید است .
- (129) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 40 .
- (130) تحف العقول، ص 514 .
- (131) بحار الانوار، ج 70، ص 15 .
- (132) همان، ج 75، ص 347 .
- (133) احادیث مربوط به «حب اهل بیت علیهم السلام» را از جمله در (میزان الحکمه، ج 2، ص 235) مطالعه کنید. کتاب «اهل البيت في الكتاب والسنة» از محمدی ری شهری نیز منبع خوبی است .
- (134) اسئلك حبك و حب من يحبك و حب كل عمل يوصلنى الى قربك (مناجات خمس عشره، مناجات نهم، مفاتیح الجنان، ص 125).
- (135) تنبيه الخواطر، ورام، ج 2، ص 176 .
- (136) میزان الحکمه، ج 5، ص 232 .
- (137) احتجاج طبرسی، ج 2، ص 599 .
- (138) بحار الانوار، ج 39، ص 288 .
- (139) بحار الانوار، ج 65، ص 151 .
- (140) اهل البيت، في الكتاب و السنة، ص 421 .
- (141) همان .
- (142) بحار الانوار، ج 100، ص 124 و ج 35، ص 199 .
- (143) ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه (احزاب، آیه 4).
- (144) اهل البيت في الكتاب و السنة، ص 423 .
- (145) همان .
- (146) همان، ص 425 .
- (147) امالی طوسی، ص 650 .
- (148) نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت 117 .
- (149) اهل البيت في الكتاب و السنة، ص 531 .
- (150) بحار الانوار، ج 35، ص 315 .
- (151) همان، ج 33، ص 373 .

(152) اهل تحقيق، در اين زمينه از جمله به بحث مستوفاي «مشكلة الغلاة» در كتاب «الامام الصادق والمذاهب الاربعه»، اسد حيدر، ج4، ص369 مراجعه كنند .

(153) اين مقاله بارها در مطبوعات و نيز به صورت مستقل، چاپ، تكثير و توزيع شده است.